

تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص)

صدیقه شریفی*، ولی الله نقی پورفر**، محمدرضا حمیدی زاده***

چکیده

با توجه به اتخاذ تحریم‌های گسترده غرب علیه ایران و شرایط وخیم اقتصادی دهک‌های پایین درآمدی و با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری در حیطه اقتصاد مقاومتی، باید در برخی رفتارهای اقتصادی، چه از جانب ملت و چه از جانب دولت تجدیدنظر صورت گیرد؛ زیرا در یک نظام اسلامی، ملاک رفتار انسان تطابق با معیارها و ارزش‌های اسلامی است؛ بنابراین پیروی از سیره نبوی و علوی می‌تواند یک الگوی رفتاری مناسب برای انسان اسلامی باشد. از امتیازهای اساسی و برجستگی‌های ممتاز سیره معصومین (ع) در بخش اقتصاد، داشتن مجموعه الگوهای رفتاری اقتصادی برگرفته از آموزه‌های قرآن است که متناسب با نیازهای واقعی انسان در هر دوره و زمانی است. این مجموعه غنی، دست‌مایه تحول عظیم جامعه جاهلی و تغییر بنیادین آن به سمت جامعه نمونه اسلام در طول تاریخ اسلام شد. معصومین (ع)، با اتخاذ روش‌های مناسب و با بهره‌گیری از تعالیم وحیانی، جریان هنجارسازی رفتارهای اقتصادی را شکل دادند. این رفتارها در برهه‌ای از تاریخ اسلام، به‌خصوص در زمان حکومت نبوی و علوی، جلوه‌ای خاص از خود به نمایش گذاشت. مقاله پیش‌رو با بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی به ارائه الگو و راهنمایی از سیره پیامبر اکرم (ص) در هر یک از ابعاد پرداخته است. روش تحقیق مقاله کتابخانه‌ای بوده و بررسی و تحلیل داده‌ها به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تاریخی و استناد به آیات و روایات اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی؛ سیره پیامبر (ص)؛ مدیریت اسلامی؛ اقتصاد اسلامی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).

E-mail: s_sharifi@iust.ac.ir

** استادیار، دانشگاه قم.

*** استاد، دانشگاه شهید بهشتی.

۱. مقدمه

شناخت و پیروی از سیره عملی و نظری پیامبر اعظم (ص) آن قدر ارزشمند است که خداوند در قرآن فرموده است: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» [۳۴]؛ همچنین به فرموده امیرالمؤمنین (ع) «و به راه و رسم پیامبران اقتدا کنید که بهترین راه و رسم‌هاست؛ رفتارشان را با سیره و روش پیامبر (ص) تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روش‌هاست» [۲] و نیز فرمودند: «بنابراین از پیامبر پاک و پاکیزه‌ت (ص) پیروی کن؛ زیرا سیره و راه و رسمش سرمشقی است برای آن کسی که بخواهد تأسی جوید و انتسابی است (عالی) برای کسی که بخواهد منتسب شود و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش سرمشق گیرد و قدم به جای قدم او گذارد» [۲]. بدین ترتیب پیروی از سیره اسوه جامع و کامل در همه ابعاد به‌ویژه در اقتصاد عصر حاضر نیز ضروری است.

پیامبر اسلام (ص) انسان کامل و الگوی تمام‌عیار فضیلت و انسانیت است. گفتار و رفتارش در همه ابعاد زندگی بشر درس‌آموز و راهنماست. رسول خاتم (ص) برجسته‌ترین فیض الهی است که خداوند دین کامل و جاوید را بر او نازل فرمود تا معلم بشر و مدیر آنان در مسیر رشد و رستگاری باشد. خداوند در قرآن ایشان را مظهر خیروبرکت و رحمت برای جهانیان و صاحب اخلاق والا معرفی فرموده است.

در دنیای مدرن که انسان فریفته تکنولوژی شده است و غفلت و انحراف از مسیر انسانیت او را در ورطه سقوط قرار داده است، بازگشت به قرآن و تأسی به الگوهای کمال تنها راه نجات‌بخش است. یکی از ابعاد درس‌آموز و هدایت‌گر سیره قولی و عملی پیامبر گرامی اسلام، بعد اقتصادی است. اقتصاد از جنبه‌های مهم زندگی انسان است که اگر در مسیر درست هدایت نشود، نه تنها آخرت بلکه دنیای انسان را نیز به تباهی می‌کشد. مسائلی همچون کار و تولید، توزیع، سرمایه‌گذاری و چگونگی مصرف، تجارت و دهها موضوع دیگر محورهای اقتصادی هستند که دقت و توجه در سیره رسول خدا (ص) است به این موارد ما را به حیات طیبه رهنمون می‌نماید.

اقتصاد و دین، در معنا بخشیدن به زندگی مادی و معنوی بشر و نیل به او به مدارج عالی کمال روحی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و می‌توان گفت، در این جهت مکمل یکدیگرند. از سویی زندگی

۱. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب، ۲۱)

۲. وَاقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهُدَى، وَاسْتَوُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ (نهج البلاغه، ۱۱۰)

۳. فَتَأْسَىٰ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةً لِمَن تَأْسَىٰ وَ عَزَاءٌ لِمَن تَعَزَىٰ وَ أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمَتَأْسِي بِنَبِيِّهِ وَ الْمَقْتَصِ لِأَثَرِهِ (نهج البلاغه، ۱۶۰)

فردی و اجتماعی انسان‌ها، بدون اقتصاد شکوفا و رشدیافته، بسی تلخ، دشوار و قرین نکبت و بدبختی است. اقتصاد بیمار، زمینه‌ساز نابودی ارزش‌های دینی و استیلای سایه فقر، فساد، فحشا، جرم و جنایت بر زندگی بشر است. چه بسا انسان‌هایی که وامانده‌گرده نانی برای قطع نشدن رگ حیات خود هستند، نتوانند به تعالی معنوی بیندیشند و از آرمان‌های انسانی و فضائل و مکارم اخلاقی، تصور و ترسیم روشن و شایسته‌ای داشته باشند. بر این مبنای، رسول خدا (ص) تهیدستی را سخت‌تر از قتل و امیرمؤمنان علی (ع)، مردن و زیر خاک رفتن را بهتر از نادانی دانسته‌اند.

از سوی دیگر، رفاه روزافزون مادی و تسلط لجام‌گسیخته پول و سرمایه، اگر به‌وسیله ایمان به خدا و پایبندی به فضائل اخلاقی و ارزش‌های معنوی مهار نشود، آن‌چنان آدمی را در باتلاق خور و خواب و خشم و شهوت فرومی‌برد که به کلی همه کرامت‌های روحی و استعداد‌های تکامل‌بخش خدادادی خویش را به فراموشی می‌سپرد و به شکل حیوانی ثروتمند و رفاه‌طلب مسخ می‌شود: همان حقیقت روشنی که قرآن کریم درباره‌اش می‌فرماید: «به‌یقین انسان طغیان می‌کند همین‌که خود را بی‌نیاز پندارد» [۳۴]. از میان رفتن توازن و تعادل منطقی در اقتصاد، کار را به افراط و تفریط می‌کشاند. فقر، حد تفریط و حاکمیت بی‌قیدوشرط سرمایه، حد افراط است. در این دو حد است که اخلاق، فضیلت، علم و فرهنگ، تباه و قربانی می‌شود. هم فقر و اقتصادی می‌تواند مانع اساسی رشد فکری و تعالی فرهنگی شود و هم تکاثر و مال‌اندوزی عامل فساد، سقوط و انحطاط معنوی است.

۲. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

یکی از ایده‌آل‌ها که همواره در مباحث اقتصاد کلان مطرح می‌شود، ثبات و پایداری اقتصاد کشورهاست. همواره امکان دارد بر اثر عوامل خارجی یا تحت‌تأثیر برخی عوامل داخلی این ثبات و پایداری با تهدید مواجه و حالت بی‌ثباتی در اقتصاد حاکم شود. یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاددانان و سیاست‌مداران بازگرداندن اقتصاد کشورها به شرایط ثبات و پایداری است. در مبانی نظری اقتصاد متعارف درباره فشارهای خارجی که به اقتصاد کشورها وارد می‌شود، مطالعات فراوانی انجام گرفته و از مفاهیم خاصی برای سنجش و ارزیابی ورود این فشارها و میزان تحمل و مقاومت اقتصادها در برابر فشارها بهره گرفته شده است. مفاهیمی مانند تاب‌آوری، آسیب‌پذیری اقتصادی، شکنندگی اقتصادی، پایداری و تداوم، استحکام و پیوستگی متقابل، ثبات، مقاوم‌بودن مدل‌ها و نهادها و وضعیت یکنواخت اقتصاد کلان به نحوی به بحث ورود فشارهای خارجی به اقتصاد و نحوه واکنش اقتصاد کلان به این

۱. كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى، أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (علق، ۶ و ۷)

فشارها می‌پردازد. از سوی دیگر در اقتصاد ایران بعد از اعمال تحریم‌های اقتصادی و جنگ اقتصادی که کشورهای مستکبر در دهه اخیر علیه ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران راه انداختند، رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۹ اولین بار در سخنان خود در جمع کارآفرینان واژه «اقتصاد مقاومتی» را به کار بردند و به تدریج مؤلفه‌های این نوع اقتصاد را تبیین کردند [۲۹]. ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» بر اساس بند یک اصل صدودهم قانون اساسی توسط رهبر انقلاب، راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور در دهه پیشرفت و عدالت را ترسیم می‌کند. ایشان هدف از ابلاغ این سیاست‌ها را تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله معرفی کرده‌اند و رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا را در این سیاست‌ها مدنظر دارند [۸].

هدف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ایجاد بستر مناسب برای حرکت اقتصاد در یک مسیر رشد پایدار است. برنامه‌ریزی بر مبنای اقتصاد مقاومتی، ایجاد می‌کند با هرگونه عوامل برهم‌زننده رشد پایدار برخورد شود و راهبردهای برنامه به‌گونه‌ای انتخاب شود که خطرپذیری‌ها و نااطمینانی‌های تحقق اهداف آن به حداقل برسد [۶].

منظور از تفکر اقتصاد مقاومتی، آن است که از جهت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری کلیه کسانی که در بخش اقتصاد جامعه فعالیت می‌کنند، ابتدا درصدد تشخیص حوزه‌های فشار اقتصادی؛ به‌ویژه در شرایط کنونی و به دنبال آن به‌کار بستن نهایت سعی و تلاش خویش جهت ایستادگی و مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی غرب و تبدیل چنین فشارهایی به فرصت با تکیه بر خودباوری، مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی. بر اساس متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به شرح زیر است:

- ۱) تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- ۲) پیشسازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

- ۳) محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
- ۴) استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- ۵) سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
- ۶) افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت‌دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
- ۷) تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).
- ۸) مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
- ۹) اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
- ۱۰) حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت.
- ۱۱) توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به‌منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
- ۱۲) افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور.
- ۱۳) مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز.
- ۱۴) افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به‌منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، به‌ویژه در میدین مشترک.
- ۱۵) افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالابردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

- ۱۶) صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.
- ۱۷) اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
- ۱۸) افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
- ۱۹) شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...
- ۲۰) تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.
- ۲۱) تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.
- ۲۲) دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:
- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.
- ۲۳) شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.
- ۲۴) افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.
- براساس آنچه گفته شد به‌طور خلاصه می‌توان اقدامات زیر را از دیدگاه مقام معظم رهبری به-عنوان الزامات اقتصاد مقاومتی از دو منظر بلندمدت و کوتاه‌مدت برشمرد:
- اقدامات بلندمدت:
- تکیه بر مردم؛
 - مقاوم‌بودن اقتصاد؛
 - اقتصاد دانش‌بنیان؛
 - کاهش وابستگی به نفت؛
 - تبیین دانشگاهی و آکادمیک اقتصاد مقاومتی.

اقدامات کوتاه‌مدت:

- حمایت از تولید ملی؛
- مدیریت منابع ارزی؛
- مدیریت مصرف؛
- استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛
- حرکت بر اساس برنامه.

بررسی عملکرد اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که علاوه بر پایین بودن معدل عملکرد متغیرهای کلیدی، اقتصاد ایران از نوسانات بالایی نیز برخوردار است. ریشه عملکرد پایین و نوسانی بودن آن به دو عامل اصلی یعنی سیاست‌های اقتصادی نامناسب و همچنین تکانه‌های ناشی از تحریم‌های خارجی برمی‌گردد. وجه مشترک این دو عامل یعنی سیاست‌های اقتصادی نامناسب و تحریم‌ها، ریشه در چگونگی استفاده از منابع نفتی دارد. وابستگی درآمد دولت و همچنین درآمد ارزی کشور به درآمد نفت و خام‌فروشی آن مشکل اصلی کشور است و تا موقعی که راه‌حلی برای آن پیدا نشود، ناپایداری در اقتصاد ایران تداوم خواهد یافت. بدیهی است استفاده از راه‌حلی بلندمدت جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در برنامه ششم توسعه با استفاده از راهبردهای اقتصاد مقاومتی ضروری است. با توجه به چشم‌انداز جهانی نفت استفاده از نفت در بخش‌های حمل‌ونقل، صنعت به-ویژه پتروشیمی، مصارف خانگی، تجاری و کشاورزی و تولید برق به‌جای فروش نفت خام، می‌تواند راهگشای مشکل باشد [۶].

اردکانی و همکاران ضمن توجه به این سیاست‌ها، مفهوم، ابعاد، ویژگی‌ها، چالش‌ها و راهبردهای اقتصاد مقاومتی را واکاوی نموده و بر این اساس، برخی موانع تحقق آن را کسری بودجه مزمن، ناکارآمدی، نظام مالیاتی، پولی و بانکی، ضعف‌های زیرساختی و گمرک، فقدان الگوهای مصرف بهینه، حمایت نکردن از حقوق مصرف‌کنندگان، فساد مالی و اقتصادی و پیشگیری نکردن از آن، واردات بی‌رویه و بوروکراسی اداری می‌دانند. آن‌ها راهبردهای مهم در رشد اقتصاد مقاومتی را بودجه‌بندی مناسب، نظام مالیاتی کارآمد، هدفمندی یارانه‌ها، کارآمدی سیاست‌های پولی و مالی، مدیریت واردات و توسعه صادرات، تثبیت نرخ ارز، اشتغال‌زایی، ثبات قیمت‌ها و اصلاح ساختار دولتی، مدیریت مصرف، قناعت و ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی قلمداد می‌نمایند [۸].

سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و لزوم آشنایی با آن. مجموعه فعالیت‌ها و تلاش‌های عملی پیامبر (ص) را که به‌منظور به‌کارگیری دستورات اسلام و در راه گسترش و بسط آن، در شرایط

گوناگون زمانی و مکانی به وقوع پیوسته است، «سیره نبوی» می‌نامند؛ به‌طور کلی سیره به دو قسمت اصلی سیره فردی و سیره اجتماعی تقسیم می‌شود. در سیره فردی، به روش رفتار فردی رسول خدا (ص) و یا معصوم (ع) پرداخته می‌شود؛ اما سیره اجتماعی آن قسمت از سیره را تشکیل می‌دهد که رسول خدا (ص) در برخورد با مردم در صحنه اجتماع رفتار می‌نمود. مهم‌ترین قسمت سیره اجتماعی آن حضرت (ص) «سیره حکومتی» ایشان است که در دوران رسالت خویش در مدینه، تحقق پذیرفت و این قسمت، بخش عظیمی از سیره را در برمی‌گیرد و شامل نحوه رفتار با مؤمنان، کفار، اهل کتاب و منافقان و... است. برخی از مبانی و اصول اساسی در سیره اجتماعی و حکومتی آن حضرت (ص) عبارت‌اند از: عطوفت و مهربانی، تواضع و فروتنی، حلم و بردباری، عفو و گذشت، احترام به آراء دیگران، مشورت با دیگران، اصل مساوات و برابری، عدالت و انصاف، قانون مداری و اجرای حدود الهی [۲۵].

آشنایی با سیره پیامبر (ص) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، خداوند در قرآن می‌فرماید: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن‌کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» [۳۴] این آیه به‌روشنی لزوم الگوبرداری از زندگی و راه و روش پیامبر (ص) و ائمه اطهار را بیان می‌کند؛ بنابراین، انسان نه‌تنها در وصول به سعادت اخروی، بلکه در تنظیم مناسبات اجتماعی خویش، نیازمند انبیاء (ع) است.

پیشینه پژوهش. یثربی نائینی و مهدیان مقدم (۱۳۹۲) در پژوهشی به‌بررسی شرایط اقتصادی صدر اسلام و عصر حضرت یوسف که شباهت‌های زیادی به شرایط فعلی کشور داشته‌اند، پرداخته و سپس دیدگاه قرآن در سوره یوسف در خصوص شرایط مدیریت در فضای بحرانی اقتصاد مقاومتی بیان نموده و به نقش مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی کشور اشاره کرده‌اند. اینکه در صدر اسلام تحریم‌ها زمانی آغاز شد که مشرکان کم‌کم با دین اسلام آشنا شده بودند و چون آن را که حرف از حقوق برابر و عدالت می‌زد مغایر با اهداف خود می‌دانستند و تحمل سطح زندگی برابر برای مردم عصر خود را نداشتند پیامبر و یارانش را به مدت سه سال در شعب ابی‌طالب در تحریم قرار دادند تا دست از ترویج دین اسلام بردارد. در حال حاضر شرایط مشابهی در کشور اسلامی ایران نیز به‌وجود آمده است و ملت ایران درگیر تحریم‌های اقتصادی تحمیل‌شده از طرف دشمنان می‌باشند. از آنجاکه ابرقدرت‌ها آشنایی کامل با مزایای انرژی هسته‌ای را دارند تحریم‌ها علیه ایران از زمان عدم توقف پیشرفت برنامه اتمی

ایران شکل گرفت و آن‌ها نیز تحمل برابری ملت‌ها را ندارند و خواستار پایداری قدرت متمرکز در دست خودشان می‌باشند؛ لذا از ابراز تحریم جهت رسیدن به خواسته‌های خود استفاده کردند. همان‌طور که تحریم در صدر اسلام بی‌فایده بود و حتی باعث بازتابی فراتر از مرزهای عربستان شد، تحریم‌ها علیه ایران نیز باعث خودکفائی و موفقیت‌های بیشتر در این کشور خواهد شد [۳۷].

نوغانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با تکیه بر سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) و با توجه به بهبود شرایط اقتصادی جامعه به دلیل مبارزه با مشکلات و ایستادگی در برابر تحریم‌ها و فشارها در دوران حکومت حضرت، تلاش نموده است الگویی جهت رشد و بالندگی اقتصاد در زمان حال ارائه نموده است. نوغانی نشان می‌دهد علی‌رغم مشکلات زیادی که مسلمانان صدر اسلام در ابتدای هجرت به مدینه با آن روبرو بوده‌اند و از نظر غذا، مسکن و شغل در مضیقه به سر می‌بردند، پیامبر اکرم (ص) با ایجاد انگیزه از طریق تشویق کار و تأمین معاش و تقبیح بیکاری و خلق نهادهایی برای تسریع دادوستد همانند تشکیل بیت‌المال و وضع قوانین و مقرراتی برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی همانند حق مالکیت بر منابع طبیعی، احکام مربوط به معاملات و جلوگیری از انحراف‌ها و نیز اجرای سیاست‌هایی برای رسیدن به عدالت اقتصادی و نیز مبارزه با مفاسد اقتصادی توانستند اقتصاد آن روز را توسعه بخشند [۲۵].

سیاست اصلاح الگوی مصرف آحاد جامعه و به‌ویژه جامعه روستایی کشور نیز به‌مثابه یکی از سیاست‌های اصولی نظام جمهوری اسلامی و در راستای بهره‌وری بهینه از منابع به‌خصوص در سالیان اخیر، موردتوجه قرار گرفته است. در این راستا توکلی و همکاران (۱۳۹۲) آسیب‌شناسی الگوی مصرف خانوارهای روستایی و تطبیق آن با سیره نبوی را بررسی نموده و با شاخص‌های استنتاج‌شده از متون و آموزه‌های دینی و سیره به‌بررسی میزان این انطباق پرداخته‌اند [۳۳].

حسنعلیان (۱۳۹۲) دیدگاه‌ها و آرای پیامبر گرامی اسلام (ص) در خصوص فقر و محرومیت را بررسی نموده و نشان می‌دهد که آن حضرت در این خصوص حساسیت ویژه‌ای داشته و همیشه بر امر رسیدگی به محرومان و فقیران و ایجاد عدالت و توازن اجتماعی در جامعه تأکید نموده‌اند. همان‌طور که در رفتار و عمل ایشان نیز شاهد برخورد عادلانه با فقرا، رسیدگی به امور ایشان و رفع نیازمندی‌شان هستیم. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش بیانگر این حقیقت است که رسول اکرم (ص) با توجه به اصل کرامت انسانی و این‌که هر شخصی به‌نوبه خود دارای حق و ارزش بوده با در پیش‌گرفتن راه‌هایی سعی در ریشه‌کن نمودن آفت فقر و محرومیت در جامعه بودند. حسنعلیان از جمله اصول مهمی که حضرت در مسئله فقر به آن توجه داشتند به موارد زیر اشاره می‌کند:

- ایشان با قشربندی اقتصادی مخالفتی نداشتند، چنان‌که آن را ناشی از تفاوت‌های موجود در طبیعت و اجتماع می‌دانستند.

- در نگاه رسول خدا (ص) انجام اصلاحات در نظام بازار، توجه و رسیدگی به امور بازاریان و برخورد قاطع با متخلفان و گران‌فروشان و نیز توجه به سرمایه‌های مردمی و به‌کارگیری آن‌ها با یک مدیریت صحیح و کارآمد در آبادساختن زمین‌ها و توسعه امر تولید، توجه به اصل کوشش و تلاش و تحمل سختی‌ها می‌تواند در برکندن ریشه فقر از جامعه مفید باشد.

- توجه به فرهنگ صرفه‌جویی و دوری از اسراف و تجمل‌گرایی و توجه به دنیا در حد نیاز مانع از فقیرشدن عده‌ای در جامعه می‌شود چنان‌که همان عده فقیر مجبور نیستند زحمت افزون‌خواهی و زیاده‌طلبی برخی را بر دوش بکشند [۱۳].

در سیره رسول مکرم اسلام (ص) فعالیت‌های اقتصادی افراد ارزش‌والایی دارد؛ بنابراین حمیدیان (۱۳۹۲) به بررسی آموزه‌های اقتصادی در سیره نبوی پرداخته و نشان داده‌اند که ساده‌زیستی، تلاش در جهت خودکفایی افراد، توکل به خدا، حلال‌بودن کسب‌وکار، رسیدگی به نزدیکان و سله ارحام، ترویج انفاق و صدقه، امانت‌داری، قناعت و دوری از اسراف و تبذیر، ذکر یاد خدا در حال فعالیت‌های اقتصادی، از جمله اصولی است که در سیره اقتصادی پیامبر اسلام (ص) تجلی دارد. اقدامات حضرت محمد (ص) نسبت به تهیدستان و تأمین معیشت آنان، تقسیم غنایم جنگی به‌صورت عادلانه، مصرف انفال و اموال عموم در مصالح عامه، برخورد با ثروت‌های نامشروع، مبارزه با پدیده شوم ربا، ترویج کار و تلاش و تولید، ترویج انفاق و قرض‌الحسنه تنها بخشی از سیره اقتصادی حضرت محمد (ص) بوده است. پیامبر اکرم (ص) با تعلیم آیین اقتصادی اسلام، انگیزه‌های صحیح اقتصادی را جایگزین انگیزه‌های جاهلی نمود و اقدامات مؤثری را جهت ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی انجام داد. در اخلاق اقتصادی پیامبر اکرم (ص) اصولی مانند اصل کار و تلاش برای تولید و کسب روزی به چشم می‌خورد که بسیار درس‌آموز است. در سیره آن حضرت (ص) برای جلوگیری از دنیازدگی مردم و جهت‌دهی معنوی به فعالیت‌های مادی و اقتصادی، عوامل معنوی را نیز هم‌زمان با فعالیت‌های مادی در برنامه‌های خود قرار داده است و این وجه تمایز اقتصاد اسلامی با سایر مکاتب مادی است [۱۱].

مبارزه با فقر در جهت ایجاد عدالت اقتصادی و اجتماعی از شیوه‌های اصولی پیامبر اکرم (ص) در مبارزه با مفاسد اجتماعی بوده است. ایشان ضمن تأکید و تشویق بر کار و فعالیت، کسب ثروت از راه‌های نامشروع، اسراف و بی‌اعتنایی به محرومین را ممنوع نمود و بدین‌وسیله بخشی از مفاسد اجتماعی، اقتصادی را نابود کرد. در مقابل زکات، خمس و انفاق که ایجادکننده اعتدال در جامعه

بشری است را مطرح نمود. مبارزه با بیکاری و ایجاد زمینه اشتغال از شیوه‌های مؤثر رسول خدا (ص) در مبارزه با مفاسد اقتصادی بوده است.

در سیره پیامبر اصل دائمی اقتصادی عبارت است از اصل خودکفایی؛ یعنی سیره پیامبر این نیست که با این بخشش‌ها و انفاق‌ها و توزیع زکات، یک عده گدای دائمی بپرورد. به این صورت که این عده کار نکنند، تلاش نکنند و فقط چشمشان به این باشد که یک ثروتمندی به آن‌ها انفاق بکند یا فصل زکات برسد و زکات به ایشان تعلق بگیرد. بلکه آن حضرت با تشویق به کار و کارآفرینی، به مسئله خودکفایی و برابر دیگران نبودن عنایت خاص داشته است.

شعبانی اصل و سلیمانی (۱۳۹۲) سیره اقتصادی پیامبر اکرم را با هدف بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در اقتصاد بررسی نموده و نشان داده‌اند، در عصری که سرمایه‌های اجتماعی از جمله اعتماد، همکاری، تعاون، به سمت نابودشدن می‌رفت، آن حضرت با تلاش و درایت بسیار زیاد تلاش نمود به‌نوعی این سرمایه‌ها را احیا کند تا موجب شوند، اقتصادی که در اسلام وسیله است نه هدف رونق یابد. ایشان تأکید می‌نمایند که الگوی سرمایه اجتماعی و اقتصادی حضرت بی‌تردید نوعی «علاج همه مشکلات» در همه عصرها قلمداد می‌شود [۳۰].

نصرتی ناهوک و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی دیگر به ارائه رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) در زمینه کار و تلاش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی پرداخته و دست‌یابی به فضل و نعمات الهی را در سایه حرکت و کار با ایمان و توکل بر خداوند مهربان میسر می‌دانند. پیامبر اکرم (ص) بیکاری، سستی و تنبلی و تن‌پروری را دشمنی با خدا دانسته و لذا خیر دنیا و آخرت را در سایه کار و تلاش به‌عنوان یک فرهنگ عامه تعریف می‌کند [۲۶].

شهرکی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی مشابه با تکیه بر منابع اصیل اسلامی به بررسی اهمیت و جایگاه کار و اشتغال در سیره پیامبر اعظم (ص) پرداخته و نشان داده‌اند که رسول گرامی اسلام (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) و سایر امامان معصوم (ع) از کارکردن به‌عنوان عملی دنیوی و اخروی که داری اجر و ثواب بسیار است یاد نموده و نسبت به آن توصیه‌های بسیار کرده‌اند. پیامبر اکرم (ص) نه تنها با راهنمایی‌ها و زمینه‌سازی‌های خود موجب هدایت افراد به سوی میدان‌های کاری شد، بلکه خود عملاً وارد صحنه گردیده و همدوش با دیگران کار می‌کرد؛ لذا رفتار اقتصادی ایشان می‌تواند شیوه‌ای موفق و کارآمد برای چگونه زیستن باشد [۳۱].

علیزاده و همکاران (۱۳۹۲) نیز بررسی و تحلیل و شناسایی الگوهای رفتار اقتصادی از جمله شیوه کسب درآمد، تخصیص و مصرف مردم منطبق بر آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه سیره نبوی و علوی پرداخته و الگوی به‌دست‌آمده در این تحلیل را با یک نمونه آماری از سرپرست خانوارهای دارای شغل

آزاد ساکن در مرکز شهر خرم‌آباد، تحلیل و ارزیابی نموده و نشان می‌دهد که بیشتر رفتارهای ایشان، منطبق با نظریه رفتارهای اقتصادی اسلامی است [۱].

غلامی فیروزجائی (۱۳۹۲) به بررسی نگاه اقتصادی رسول خدا به بازار و تجارت به‌ویژه بعد از هجرت به مدینه پرداخته است. فیروزجائی از جمله اقدامات بنیادی و اصلاحی رسول خدا در زمینه اقتصادی را، ایجاد و بازسازی بازارهایی می‌داند که بیشتر در اختیار یهودیان مدینه قرار داشت. با این اقدامات اصلاحی و بنیادی پیامبر، امور تجاری - بازرگانی در درازمدت از انحصار یهودیان بیرون رفت و با تشویق مسلمانان در امر واردات و صادرات و خریدوفروش، هرگونه دریافت مالیات از بازار مسلمانان مردود اعلام شد و تجار به‌منزله مجاهدان راه خدا تلقی گردیده و تجارت بر پایه قوانین اسلام در بین قبایل و کشورهای هم‌جوار گسترش یافت که از درون این بازار، خرده‌بازارهای مختلفی هم ایجاد و برپا شد. ایشان با ابداعات و تصمیمات مهم، باعث رونق اقتصادی مدینه و عربستان و گسترش آبادی و بالارفتن سطح رفاه جامعه شدند. در تداوم عملیات، اهتمام ویژه پیامبر در تدوین برنامه‌ای صحیح، هوشمندانه و عملی زمینه رشد و ظهور احکام و مبانی اسلام را فراهم کرد [۹].

فرزندی اردکانی (۱۳۹۲) سیره پیامبر اسلام (ص) را از جنبه مدیریت، برنامه‌ریزی و ارائه راهکار بررسی نموده و از مهم‌ترین برنامه‌هایی که پیامبر (ص) در مورد جامعه زمان خودشان به‌کار گرفتند به برنامه‌ریزی سیاسی، برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی فرهنگی، برنامه‌ریزی مشارکتی، برنامه‌ریزی در امور نظامی و برنامه‌ریزی در امور مملکت‌داری اشاره نموده و به بیان راهبردهای خاصی که حضرت برای اجرای هر یک از این برنامه‌ها بکار گرفته‌اند می‌پردازد [۸].

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در خصوص ابعاد اقتصاد مقاومتی در سیره حکومتی حضرت صورت گرفته است که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود، لکن هنوز ابعاد زیادی از اقتصاد مقاومتی وجود دارد که امکان استفاده از سیره حضرت در آن وجود دارد و لازم است پژوهشگران بیشتر در این زمینه فعالیت نمایند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش گردآوری داده‌ها بر این مبنا که تحقیق از نظر روش جنبه هرمنوتیک تفسیری: اسناد معتبر - ذهن محقق و توصیفی دارد به دو گروه تفکیک می‌شود. برای گردآوری منابع علمی به کلیه منابع دست اول اسلامی نظیر قرآن مجید و احادیث مبارک نبوی و کلام معصوم، اسناد بالادستی، منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای مراجعه کرده و با گردآوری نکات، آیات، احادیث، مقاله‌ها، کتب، مشاهده‌ها و مطالعات تحقیقات مشابه، مباحث پاسخگویی به سوالات تحقیق پیگیری و تدوین می‌شوند؛ البته

نمونه‌های هدف‌مند نظری انتخاب و مورد داده‌کاوی ایده‌پردازی قرار می‌گیرند؛ بنابراین داده‌های مربوط جنبه نظری دارند.

روایی. منظور از روایی و قابلیت اعتبار ابزار اندازه‌گیری، تبیین شیوه اندازه‌گیری مفادی است که باید مطرح شود و این مفاد باید آن جنبه‌ها و زمینه‌هایی را عرضه دارد که مدعی تبیین آن است؛ بنابراین یکی از اهداف اصلی در سوالات پژوهش، بالا بودن روایی آن است در تحقیق حاضر نیز، سوالات تحقیق متناسب با اهداف و مبانی نظری و با توجه به کیفیت تعاریف نظری و عملیاتی هر یک از متغیرها تنظیم شده است. در تعیین روایی آن نیز، از روش اعتبار صوری و مشاوره با صاحب‌نظران و محققان مرتبط با موضوع پژوهش که در این زمینه آگاهی داشتند، استفاده شده است.

هدف بنیادی این پژوهش، مشخص و روشن کردن موقعیت‌های نامعین نحوه تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص) و تبدیل آنها به موقعیت‌های معین در چارچوب مفاهیم، تعاریف، فرآیندها و الگوهای تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص) است؛ بنابراین براساس اطلاعات حاصل، با تقریر و نگارش، انتظارات تحقیق را برآورده ساخته و دستاوردهای آن را تدوین کرده است.

تحقیق از نظر روش و ماهیت داده‌های مستخرج از منابع و آرایش ایده‌ها، جنبه تعریف، توصیف و تبیین دارد؛ زیرا کلیه مراحل ضروری در فرآیند تحقیق برای تبیین مسائل و موضوع تحقیق، براساس تبیین نظری‌ها و نظریه‌پردازی، ارائه مدل‌ها و مدل‌سازی، تدوین الگوها و کارکردهای تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص) طراحی و اجرا می‌شود.

به‌هرحال، تحقیق از نظر روش، جنبه تعریف، توصیف و تبیین دارد. روش، مسیر حرکت مطالعه، تحلیل، هدایت نتایج و دستاوردها است که ساخته و برساخته ادراک حاصل از فهم و درک رفتار و عملکردشناختی در چارچوب واقعیت‌های مورد مطالعه به مثابه (۱) تجسمی از تصویر واحد مورد مطالعه، (۲) ساخت واقعی، (۳) فرآیند واقعی، (۴) میدان زمینه‌ای اطلاعات، (۵) قلمرویی از گفتمان نمادی و (۶) ساخت اجتماعی است. تعریف، بیان (ماهوی و مفهومی) تبیین راهبردهای اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص) است؛ در حالی که توصیف، بیان چگونگی بودن موضوع تحقیق است. توصیف تحلیلی تحقیق از طریق برهان اثبات می‌شود و توصیف انضمامی از طریق مدل‌ها و الگوهای برآمده از مشاهده‌ها و تجارب به‌دست می‌آید. تعریف را می‌توان از طریق تقسیم‌بندی مباحث به‌دست آورد و از آن در ارائه کارکردها، از لایه‌پردازی مفاهیم و ایده‌ها در سطوح مورد انتظار استفاده می‌شود؛ بنابراین با به‌کاربردن این روش از توصیف، به معنای مصادره به مطلوب فراوان استفاده به عمل می‌آید.

۴. تحلیل یافته‌ها

ابعاد اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبر اکرم (ص). بر اساس توصیفی که در بخش قبلی از اقتصاد مقاومتی، الزامات، اقدامات بلندمدت و کوتاه‌مدت صورت گرفت، در این بخش بر آنیم تا مصادیق موارد فوق را در سیره پیامبر اکرم (ص) را هرچند نه به‌قدر بزرگی و عظمت حضرتش بلکه به‌قدر بضاعت خود و به رشته تحریر درآوریم. در ادامه به فرازهایی از الزامات و برنامه‌های فوق که نمودهایی در سیره پیامبر داشته‌اند پرداخته می‌شود:

تکیه بر مردم. تکیه بر مردم یکی از مهم‌ترین اصول اقتصاد مقاومتی است. از آنجاکه اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا و برون‌نگر است، محور اصلی این اقتصاد تکیه بر توان و همت مردم است. مقام معظم رهبری در بیانات متعدد دانشمندان دانشگاه‌ها و نیز نخبگان سیاسی امت اسلامی را به تکیه بر مردم و دوری از بیگانگان و دشمنان اسلام فراخوانده و همواره تأکید کرده‌اند: «امروز مهم‌ترین مسئله در دنیای اسلام، وحدت است.» ایشان در بیاناتشان با اشاره به خروج تدریجی ملت‌های مسلمان از زیر بار سلطه مستقیم استعمارگران، هشدار می‌دهند: «مستکبران درصددند منافع دوران سلطه مستقیم را با سلطه غیرمستقیم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تأمین کنند.» که هدف استعمارگران در سایه چشم امید مسئولین به خارج مرزها تأمین می‌شود. مقام معظم رهبری همچنین می‌فرمایند: «ازجمله خصوصیات مهم رژیم طاغوت بی‌اعتنایی به مردم بود؛ مردم به هیچ قیمت به حساب نمی‌آمدند. ما در دوران عمرمان، در دوران جوانی در رژیم گذشته، یک‌بار هم نه در انتخاباتی شرکت کرده بودیم، نه از مردم کوچه و بازار معمولی می‌شنیدیم که شرکت کنند؛ انتخاباتی وجود نداشت. در یک برهه‌ای خیلی صریح، در یک برهه‌ای کمتر صریح، دخالت‌های آن‌ها بود؛ یک‌مشت مزدور را می‌بردند، می‌نشانند آنجا و توسط آن‌ها در مجلس شورا و مجلس سنا کار خودشان را انجام می‌دادند. مردم اصلاً نمی‌دانستند چه کسی در رأس کار است؛ اصلاً رابطه بین مردم و حکومت قطع بود. آگاهی مردم، اطلاع مردم از مسائل کشور، از مسائل سیاسی که شما امروز می‌بینید، این درست نقطه مقابل آن چیزی است که آن روز وجود داشت؛ رژیم خبیث به کل منقطع بود با آحاد مردم.» «بی‌اعتنایی به پیشرفت علمی، ترویج خودکم‌بینی ملی و بزرگنمایی غربی؛ حالا کار علمی که پیشرفت نمی‌کرد، حرکت علمی به معنای واقعی کلمه که اصلاً وجود نداشت، در رسانه‌ها ذائقه مردم را به واردات عادت دادند که این عادت متأسفانه تا امروز باقی است. عادات طولانی‌مدتی که برای مردم به‌وجود می‌آید، به‌آسانی از بین نمی‌رود. این‌ها به‌جای کشاندن کشور به سمت احیای تولیدات داخلی و منابع حقیقی یک ملت، مردم را با پول نفت عادت دادند به واردات؛ ذائقه مردم را عوض

کردند؛ کشاورزی کشور را نابود کردند، صنایع واقعی و ملی کشور را از بین بردند، کاملاً کشور را وابسته کردند به خارج و به دشمنان این ملت. ملت را تحقیر کردند، توانایی‌های ملت را دست‌کم گرفتند، به زبان آوردند، فرهنگ غربی را بزرگنمایی کردند.» «این عزت ملی، این حرکت عظیم مردمی، این آگاهی و بصیرت عمومی، این پیشرفت علمی، این جایگاه برجسته ایران در جهان و در منطقه، این‌ها همه و همه به‌خاطر این است که آن مانع بزرگ از پیش پای ملت برداشته شد و این را مردم انجام دادند؛ این را دین انجام داد؛ این را اعتقادات انجام داد.» «امروز آن چیزی که لازم است برای ملت ما، اولاً اتحاد و اتفاق ملی است. دودسته‌کردن مردم، جداکردن مردم، شعارهای تفرقه‌انگیزدادن میان مردم - به هر عنوانی - خطا است؛ این بر ضد منافع ملت ایران و بر ضد آرمان - های ملت ایران است. اتحاد و اتفاق. مردم مسئولین را کمک کنند، دولت را کمک کنند. دولتی‌ها هم بدانند که آنچه می‌تواند آن‌ها را بر انجام‌وظیفه خودشان قادر کند تکیه بر نیروی داخلی است؛ تکیه بر نیروی مردم است. من بارها این را عرض کردم در جلسات عمومی و همچنین در جلسات خصوصی با مسئولین دولتی، نگاهشان به دست بیگانه نباشد. بله امروز دشمنان برای ملت ایران با تحریم مشکل درست کردند.»

جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن امام خمینی (ره) در مقام یک مرجع دینی، با پایه‌گذاری نظام اسلامی در ایران ثابت کرد که اسلام و دموکراسی نه تنها هیچ تباین و تضادی با هم ندارند، بلکه این دو با هم قابل جمع و تعامل‌اند و اسلام دموکراتیک‌ترین شیوه را برای اداره جامعه با تکیه بر مردم دارد. اگر دموکراسی را روشی تعریف کنیم که بر اساس آن اراده آزاد انسان‌ها در انتخاب حاکمان خود و یا برکناری آن‌ها و تعیین سرنوشت خود، دخیل باشد و درواقع شیوه حکومت بر مبنای رأی اکثریت باشد، این مطلب با مبانی امام (ره) در تضاد نیست. امام در این باره می‌گوید: «این‌جا آرای ملت حکومت می‌کند. این ملت است که حکومت را در دست دارد و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد.»

امام خمینی (ره) با همه عظمتش از سلاله پاکش مکتب نبی مکرم اسلام و ائمه طاهرین سرمشق گرفت. مؤید این معنا آیاتی است که درباره مشورت پیامبر (ص) با مردم و مشارکت‌دادن آنان در مسائل سیاسی - اجتماعی و بهره‌گیری از نظریات آنان^۱ و آزادی عقیده و بیان^۲ نازل شده است [۳۴].

۱. غاشیه، ۲۱ و ۲۲

۲. زمر، ۱۷ و ۱۸

اسلام، اساساً دینی، مردمی است و از صدر اسلام با تکیه بر پایگاه مردمی و استفاده از اصول مشخص دینی، چه برای قیام برای مبارزه (نظیر مبارزات پیامبر اکرم یا قیام امام حسین) با کفر و مستکبران و چه برای تشکیل حکومت و دوام و قوام جامعه از کمک مردم استفاده نموده است. در این میان اما ایستادگی مردم حتی در شرایط سخت یکی از مهم‌ترین نقاط قوتی بوده که اسلام را حتی در شرایط دشوار از آفت بدخواهان حفظ نموده است. در این مجال به‌عنوان نمونه به دو مقوله مشورت در سیره پیامبر به‌عنوان یکی از راهبردهای پیامبر در خصوص تکیه بر مردم در تصمیم‌گیری و نیز تحمل، ایستادگی و تاب‌آوری مسلمانان در شعب ابیطالب به‌عنوان همراهی مردم با پیامبر و تکیه پیامبر بر ایشان در اجرای راهبردها اشاره می‌نماییم.

مشورت با مردم. نبی اکرم (ص) در امور مختلف مشورت می‌کرد و سپس تصمیم می‌گرفت و عمل می‌کرد. چنانچه امام رضا (ع) فرمود: «ان رسول الله (ص) کان یستشیر اصحابه ثم یعزم علی ما یرید.» [۵۸]

البته مشورت نبی اکرم (ص) در امور مربوط به خدا و رسولش که حکم صریح داشت و به‌عنوان نص ارائه می‌شد، صورت نمی‌گرفت، بلکه مشورت‌ها در امور مربوط به امت تحقق می‌یافت. ضمیر «هم» در آیه «و امر هم شوری بینهم» به این نکته اشاره دارد؛ زیرا اجتهاد در مقابل نص جایز نیست و آیات متعددی از قرآن آن را باطل می‌داند. «نه به خدایت سوگند، ایمان نمی‌آورند تا تو را در اختلاف‌های خویش حاکم کنند؛ سپس در دل‌های خود از آنچه حکم کرده‌ای، ملالی نیابند و کاملاً تسلیم گردند.» [۳۴]. در ادامه نمونه‌هایی از مشاوره‌های نبی اکرم (ص) و جانشینانش را نقل می‌کنیم.

مشاوره در امور فرهنگی و مسائل نظامی. از نمونه‌های برجسته سیره مشاوره پیامبر (ص) جنگ بدر است که درباره اصل جنگ، تعیین مکان نبرد و اسیران جنگ با یاران خود مشورت کرد و فرمود: «ای مردم آراء خود را برایم بگوئید.»

جنگ بدر در سال دوم هجری روی داد. به پیامبر گزارش رسید که کاروانی از قریش اموال فراوان به‌طرف شام می‌برد. حضرت به‌منظور مقابله‌به‌مثل از مدینه خارج شد، به تعقیب کاروان پرداخت و به آن دست نیافت. کاروان قریش به شام رفت، پس از مدتی گزارش دادند که کاروان قریش در حال

۱. فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَخُكُّوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء، ۶۵)

بازگشت است. پیامبر (ص) با ۳۱۳ تن در ماه مبارک سال دوّم برای مصادره اموال قریش، در مقابل اموال مصادره شده مسلمانان؛ از مدینه خارج شد، نیروی کمکی مکه با تجهیزات کامل برای کمک با کاروان قریش حرکت کرد. پیامبر (ص) اصحاب خود را گرد آورد و در مورد اینکه آیا دشمن را تعقیب کنند یا با گروه نظامی قریش روبه‌رو شوند و یا به مدینه بازگردند، با آنان مشورت کرد.

در این جریان نخست ابوبکر برخاست و نظر خویش را مبنی بر جنگ با دشمن اعلام کرد. سپس عمر نظری مشابه نظر او داد. آنگاه مقداد برخاست و گفت: «ای رسول خدا، آنچه خداوند برایت مقرر فرموده عمل کن؛ ما با تو هستیم. به خدا سوگند، ما آنچه را که بنی‌اسرائیل به موسی گفتند به تو نمی‌گوئیم که «تو با پروردگارت بروید و خودتان جنگ کنید که ما اینجا نشسته و منتظریم^۱». ما می‌گوییم: تو و پروردگارت بروید و بجنگید و ما هم به امر شما جنگ می‌کنیم [۳۴].

رسول خدا (ص) مقداد را ستود، در حقیقت دعا کرد و باز فرمود: «اشيروا علیٰ ایها الناس» و مقصود حضرت، انصار بودند؛ زیرا از طرف آنان، اکثریت بودند و از طرفی در عقبه با پیامبر (ص) پیمان دفاعی بسته بودند. پیامبر (ص) می‌خواست نظر آنان را در این خصوص بداند. سعد ابن معاذ برخاست نظر خویش را مبنی بر حرکت رسول خدا (ص) و اطاعت مطلق از وی است و جنگ با دشمن اعلام کرد. سخنان سعد، انبساطی در رسول خدا (ص) ایجاد کرد و او را خشنود ساخت. پس فرمود: «به راه افتید و بشارت باد شما را که خداوند (پیروزی بر) یکی از این دو گروه را به من وعده داده است (یا تصاحب کاروان و یا پیروزی بر قریش). سوگند به خدا، گویا هم‌اکنون جای کشته‌شدنشان را پیش‌روی خود می‌بینم» [۵۹].

رسول خدا (ص) با به‌کارگیری این جلسه مشورتی از منزل «ذفران» حرکت کرد؛ از گردنه‌ای که موسوم به «اصافر» بود، گذشت؛ به‌سوی قریه‌ای که در پایین گردنه قرار داشت، سرازیر شد؛ نزدیک بدر فرود آمد و به کسب اطلاعات پرداخت.

در دشت بدر آب‌های مختلفی به‌وسیله چاه‌هایی که در آن حفر شده بود، وجود داشت و به همین جهت محل توقف کاروان‌ها بود، مسلمان‌ها زودتر از قریش کنار چاه‌ها فرود آمده بودند، واقدی می‌گوید:

پس از فرود آمدن در کنار اولین چاه، پیامبر (ص) از اصحاب خود مشورتی خواست و فرمود: «اشيروا علیٰ فی المنزل» نظر مشورتی شما درباره این مکان چیست؟ حباب بن منذر برخاست و نظر خویش را مبنی بر عدم مناسبت این مکان برای نبرد با دشمن اعلام کرد و گفت: «اکنون که فرمان

۱. فَأَذْهَبَ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتَلَا أَنَا هَهُنَا قَاعِدُونَ

خاص در مورد این مکان نرسیده و صرفاً تدبیر جنگی است، دستور دهید تا آخرین چاه که به دشمن نزدیک است، پیشروی کنیم و در آنجا اردو بزنیم.

رسول خدا (ص) فرمود: «رأى صواب همان است که گفتی. در این داستان به مشاوره اصحاب نیز با نبی اکرم (ص) اشاره شده است.

بدین ترتیب، با استفاده از یکی از اصول و مبانی مدیریت و رهبری حکیمانه و عمل به اصل اساس مشورت و بهره‌گیری از روش‌های نظامی بجا و روح ایمان، مسلمانان با وجود نیروی کم در مقابل نیروی بسیار دشمن به پیروزی چشمگیری دست یافتند و اسیران بسیار گرفتند. پیامبر اسلام (ص) درباره اسیران و امور دیگر مربوط به جنگ نیز بارها با اصحاب خود مشورت فرمود.

مشاوره شیوه عملی رسول خدا (ص) در جنگ‌های مختلف بود که به نمونه‌های دیگری اشاره می‌کنیم.

- در نبرد احزاب یا خندق نیز همین شیوه به کار رفت و حضرت رسول (ص) با اصحاب خود، جلسه مشورتی تشکیل داد.

- در پیکار بنی قریظه، در مورد کیفیت و کمیت جنگ با یهودیان مدینه، مشورت کرد.

- در پیکار نبی نصیر، در برخورد با یهودیان مدینه، نیز چنین کرد.

- در روز حدیبیه نیز در موضوع‌های مختلفی به مشورت پرداخت.

- در فتح مکه، هنگامی که آمدن ابوسفیان به حضرت گزارش شد، مشورت کرد.

- در غزوه طائف، پس از محاصره آنها، پیامبر اسلام (ص) با اصحاب خود مشاوره کرد و سپس تصمیم گرفت.

- در غزوه تبوک، در امور مختلف، با اصحاب خود به مشورت پرداخت؛ «اشيروا علی» فرمود و نظرهای صائب و آرای صحیح و نوین اصحاب را موردستایش قرار داد.

- در جنگ احد درباره اینکه سپاه اسلام در مدینه مستقر شود یا بیرون رود؛ با اصحاب مشورت کرد و با اینکه خود موافق نبود نظر اصحاب را پذیرفت.

این نمونه‌ها و ده‌ها نمونه دیگر، حاکی از مشاوره نبی اکرم (ص) در امور جنگ بود.

مشاوره در امور غیرنظامی و مسائل غیرجنگی. مورخان ده‌ها نمونه دیگر از مشورت‌های نبی اکرم (ص) در امور غیرنظامی و مصالح غیرجنگی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امور فردی و خانوادگی و غیره نقل کرده‌اند. این موارد بیانگر آن است که شورا و مشورت

به‌عنوان یک امر اساسی در مسائل مدیریت و حکومت و فرماندهی منحصر نیست؛ بلکه در همه شئون مربوط به امت راه دارد و ثمرات درخشانی در پی خواهد داشت.

پیامبر (ص) در مورد اعزام افراد برای تبلیغ و اداره امور یک منطقه و اعطای مسئولیت به افراد به‌منظور فرمانداری و استانداری و مدیریت و حکومت بخشی از مناطق تحت اداره خویش با اصحاب مشورت می‌کرد.

اصحاب آن حضرت نیز، با پیروی از این سنت نیکو، نه‌تنها با رسول اکرم (ص) در امور مختلف به مشورت می‌پرداختند؛ بلکه با همدیگر نیز مشورت می‌کردند.

آنچه گذشت، به‌خوبی نشان می‌دهد که پیامبر اسلام (ص) با وجود آنکه معصوم بود و از نظر فکر و تدبیر و تصمیم‌گیری به مشورت نیاز نداشت، برای احیای این سنت و آموزش و پرورش امت، پیوسته با اصحاب خویش مشورت می‌کرد.

ایستادگی در محاصره اقتصادی شعب ابطالب. برای کوبیدن اقلیت‌های یک اجتماع، وسیله

آسان و طریق بی‌دردسر؛ همان مبارزه منفی است که شالوده آن را اصل اتفاق و اتحاد تشکیل می‌دهد. مبارزه مثبت به وسائل گوناگونی نیاز دارد؛ زیرا باید گروهی رزمنده دست به سلاح روز بزنند و با دادن تلفات جانی و مالی و هموارساختن صدها پستی‌وبلندی به‌سوی مقصد پیش روند، ناگفته پیداست که این نوع مبارزه با صدها رنج و بلا؛ هم‌آغوش است زمامداران خردمند پس از اتخاذ تدابیر لازم و آمادگی کامل، دست به چنین مبارزه‌ای می‌زنند و تا کارد به استخوان نرسد، چاره منحصر به جنگ نگردد چنین برنامه‌ای را اجرا نمی‌کنند.

ولی مبارزه منفی در گرو این‌گونه مطالب نیست، فقط یک عامل نیاز دارد و آن اتفاق و اتحاد اکثریت است. یعنی گروهی که هدف و ایده دارند از صمیم دل، با هم، هم‌پیمان و هم‌قسم متفق و متحد می‌شوند که همه‌گونه روابط خود را با اقلیت مخالف قطع کنند و خریدوفروش با آن‌ها تحریم نمایند ارتباط زناشویی موقوف شود و در کارهای اجتماعی آن‌ها را دخالت ندهند و در امور شخصی با آنان همکاری ننمایند، در چنین هنگام زمین با آن پهناوری برای آنان بسان یک زندان کوچک و تنگی می‌گردد که هر آنی فشار آن، آن‌ها را به نابودی تهدید می‌نماید.

اقلیت مخالف در چنین گیرودار، گاهی تسلیم می‌شوند و از نیمه‌راه برگشته و فرمان‌بردار اراده اکثریت می‌گردند؛ ولی یک چنین اقلیت باید گروهی باشند که مخالفت آن‌ها روی هدف معنوی نبوده و مبارزه آن‌ها جنبه اصولی و عقیده‌ای نداشته است مثلاً به‌منظور به‌دست‌آوردن ثروت،

پست‌های حساس و مقامات رسمی، مخالفت می‌کردند، چنین گروهی هنگامی که احساس خطر کنند و با رنج و درد زندان محاصره روبرو شوند چون محرک روحانی و ایمانی ندارند و فقط محرک آن‌ها امر مادی است، از این لحاظ، لذت زودگذر موقت را بر لذت بیشتر احتمالی، ترجیح داده و تسلیم خواست اکثریت می‌گردند.

ولی دسته‌ای که شالوده مخالفت آنان را، ایمان به هدف تشکیل می‌دهد، هرگز با این بادها نمی‌لرزند؛ فشار محاصره ریشه ایمان آن‌ها را محکم‌تر می‌سازد ضربات دشمن را با سپر صبر و استقامت پاس می‌دهند. صفحات تاریخ بشریت، گواهی می‌دهد که نیرومندترین عامل برای استقامت، پایداری اقلیت‌ها در برابر اراده اکثریت، همان نیروی ایمان و اعتقاد است که گاهی با ریختن آخرین قطره خون، نقش پایداری را ایفاء می‌کنند و ما برای این گفتار صدها گواه و شاهد در اختیار داریم.

سران قریش، از نفوذ پیشرفت حیرت‌انگیز آئین یکتاپرستی سخت ناراحت بودند و در فکر چاره و راه‌حلی بودند. اسلام آوردن امثال حمزه و تمایل جوانان روشن‌دل قریش و آزادی عمل که در کشور حبشه نصیب مسلمانان شده بود، بر حیرت و سرگردانی حکومت وقت افزوده بود و از این‌که از نقشه‌های خود بهره‌ای نمی‌بردند، سخت اندوهناک بودند، به فکر نقشه دیگری افتاده و خواستند، به‌وسیله «محاصره اقتصادی» که نتیجه آن بریدن رگ‌های حیاتی مسلمانان بود، از نفوذ و پخش اسلام بکاهند و پایه‌گذار و هواداران آئین خداپرستی را در میان این حصار، خفه سازند؛ لذا، سران حکومت عهدنامه‌ای به امضای هیئت عالی قریش، در داخل کعبه آویزان کرده و سوگند یاد کردند ملت قریش تا دم مرگ طبق مواد زیر رفتار کنند.

- همه‌گونه خریدوفروش باید با هواداران محمد تحریم شود؛

- ارتباط و معاشرت با آنان اکیداً ممنوع باشد؛

- کسی حق ندارد با مسلمانان ارتباط زناشویی برقرار کند؛

- در تمام پیش‌آمدها باید از مخالفان محمد طرفداری کرد.

متن پیمان فوق با شدت هر چه تمام‌تر به مورداجرا گذارده شد، یگانه حامی صاحب رسالت ابوطالب از عموم خویشاوندان (فرزندان هاشم و مطلب) دعوتی به عمل آورد؛ و یاری پیامبر را بر دوش آن‌ها گذارد و تصمیم گرفت که عموم فامیل از محیط مکه بیرون رفته و در دره‌ای که در میان کوه‌های مکه قرار داشت و به شعب ابی‌طالب معروف بود و خانه‌های محقر و سایبان‌های مختصری در آنجا وجود داشت سکنی‌گزینند و از محیط زندگی مشرکان دور باشند و برای جلوگیری از

حمله‌های ناگهانی قریش برج‌های مراقبت در نقاط مخصوصی تأسیس شود و افرادی در آنجاها برای دیدبانی گماشته شوند تا آن‌ها از هرگونه پیش آمد گزارش دهند

فشار گرسنگی به حدی رسیده بود که «سعد وقاص» می‌گوید: شبی من از میان دره بیرون آمدم، درحالی‌که نزدیک بود تمام قوا را از دست بدهم ناگهان پوست خشکیده شتری را دیدم، آن را برداشتم و سوزاندم و کوبیدم و بعد با آب مختصری خمیر کرده و از این طریق سه روز بسر بردم!

جاسوسان قریش در تمام راه مراقب بودند که می‌باید کسی خوارباری به شعب ابی‌طالب ببرد؛ ولی با این کنترل کامل، گاه‌وبیگاهی حکیم بن حزام برادرزاده خدیجه و ابوالعاص بن ربیع و هشام بن عمر نیمه‌شب‌ها مقداری گندم و خرما بر شتری حمل کرده و تا نزدیکی شعب می‌آوردند، سپس افسار آن‌را دور گردنش می‌پیچیدند و رها می‌کردند و گاهی همین مساعدت موجب گرفتاری آن‌ها می‌گردید. شدت عمل قریش در اجرا عهدنامه ذره‌ای از صبر و برد باری مسلمانان نکاست و سرانجام ناله جان‌گداز فرزندان و کودکان و وضع رقت‌بار عموم مسلمانان گروهی را تحت‌تأثیر قرار داد و از امضاء عهدنامه پشیمان شدند و در فکر حل قضیه افتادند. جلسه قریش، با شرکت زهیر و گروهی از هم‌رازان او منعقد گردید، وی مهر خاموشی را شکست و گفت: باید قریش امروز این لکه ننگین را از دامن خود پاک گردانند، باید امروز این نامه ظالمانه پاره گردد؛ زیرا وضع جگرخراش فرزندان هاشم همه را ناراحت کرده است. این بحث با مخالفت شدید ابوجهل مواجه شد، لکن وقتی مطعم به محل صحیفه‌نامه‌ای که پیمان در آن نوشته بود رفت، دید موریانه ورقه را خورده و فقط از آن؛ کلمه بسمک اللهم که قریش نامه‌های خود را با آن آغاز می‌نمودند، باقی‌مانده است. ابوطالب، آن روز جریان را از نزدیک می‌دید و منتظر ختم جریان بود؛ لذا پس از آنکه کار یکسره گردید، جریان را حضور برادرزاده خود معروض داشت و با تصمیم و مشورت ابوطالب، گروه پناهنده به شعب، بار دیگر به منازل خود بازگشتند [۳۲].

این داستان نمونه‌ای از ایستادگی یاران رسول‌الله تا سرحد جان در پای اسلام و آرمان‌های رسول‌الله را بازگو می‌نماید.

مقاوم‌بودن اقتصاد. تاریخ حکومت پیامبر اکرم (ص) شاهد ایستادگی، مقاومت و شجاعت‌های فراوانی برای تثبیت ارزش‌ها و مبارزه با فساد موجود بود؛ چراکه اسلام تازه در حال شکل‌گیری بوده و موانع بسیاری در راه تشکیل و توسعه نهال نوپای اسلام وجود داشت. در این راه پیامبر (ص) و یارانشان متحمل سختی‌ها و مرارت‌های بسیاری شده‌اند تا بتوانند حکومت اسلامی را برپا کرده و اقتصاد فقیر و متزلزل آن روز را توسعه بخشند، با توجه به اوضاع اقتصادی در عصر نبوی و اوایل

تأسیس حکومت اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه پیامبر توانستند بر مشکلات و سختی‌های اقتصادی زمان خود غلبه کنند؟ پاسخ به این سؤال اصول حاکم در سیره حکومتی از نگاه اقتصادی و نیز سیاست‌هایی است که پیامبر برای توسعه و مقاومت در شرایط سخت اقتصادی آن زمان به کار می‌بردند که عبارت‌اند از رعایت عدالت، مبارزه با مفاسد اقتصادی، توجه به سرمایه‌های انسانی، توجه به کار و اشتغال، مدیریت مصرف و... [۲۵].

تاریخ اسلام از صدر تاکنون پر است از نمونه‌های فشارهای اقتصادی وارد آمده بر مسلمانان که از مهم‌ترین آن‌ها همان‌طور که در بخش قبل اشاره شد به ماجرای شعب ابی‌طالب و دیگری محاصره اقتصادی مدینه در سال‌های ابتدایی تشکیل حکومت اسلامی می‌توان اشاره کرد. تحریم‌هایی که شاید از نظر سختی و رنج‌آور بودن چیزی کم از تحریم‌های امروز ایران نداشت؛ اما چگونه شد که اسلام و پیامبر خدا (ص) از آن مسائل هرچند سخت اما با پیروزی خارج شد.

شعب ابیطالب. در شعب ابی‌طالب همه مسلمانان در دره‌ای جمع و محاصره شدند تا هیچ‌کس با آنان رابطه نداشته باشد و از زور فشار گرسنگی تسلیم شوند. در همان روزها پیامبر (ص) در راستای تقویت مقاومت مردم در شرایط تحریم آن روز، حضرت ۵ راهبرد را در پیش گرفتند؛

- صبر در سختی‌ها
- پایداری در برابر مستکبران
- راهبرد صرفه‌جویی و مدیریت مصرف
- هرچه در توان داشت صرف در راه دین
- همدلی و همراهی با مردم
- رهبری به‌جای مدیریت
- اتخاذ راهبرد فعال به‌جای منفعل
- تشویق و تقویت فرهنگ کار و تلاش
- تقویت اخلاقیات در جامعه (عدالت، قناعت، وحدت، انفاق، صدقه، خمس و زکات)
- مبارزه با ردایل اخلاقی (کم‌فروشی، گران‌فروشی، احتکار، اسراف و تبذیر)
- مداومت و پایداری در امور است نه صرفاً آغاز کردن کارها

پیامبر با پایداری خود، خانواده و نزدیکانش به مسلمانان آن زمان فهماند که باید برای اسلام کار کرد و در این راه باید تحمل خود را در برابر سختی‌ها افزود؛ لذا می‌بینیم که در شعب گاهی تا ۵ مسلمان فقط از یک خرما طی یک روز تغذیه می‌کردند. همچنین او به مصداق آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا

اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ...» (انفال، ۶۰) از تمام توان مالی خود، همسر و عمویش در این راه استفاده نمود و این درسی است برای ما که اگر مسلمانان در اقصی نکات کشورمان ایران یا جهان نیازمند کمک بودند بی تفاوت نباشیم. نکته مهم دیگر اینکه پیامبر در این راه با مردم همراهی و همدلی نمود، نه اینکه خود و خانواده‌اش را در جای امنی قرار داده و از مردم تحمل سختی‌ها را طلب کند! این یعنی پیامبر در آن روزگار رهبری می‌کرد و خود در خط مقدم قرار داشت نه اینکه از دور مدیریت نماید. از آنجاکه پیامبر همدل و هم‌زبان با مردم بود، او بر دل‌ها رهبری می‌کرد و حمایت مردم از او لسانی و ظاهری نبود، لذا می‌بینیم که مردم تا پای جان بر سر آرمان او وفادار می‌مانند. از سوی دیگر پیامبر (ص) بعد آنکه مردمش را آماده کرد از طریق امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) راه ارتباط با خارج شعب را پیدا کردند و از آن طریق و به کمک حضرت علی (ع) کمک‌هایی به ایشان و مسلمانان در بند می‌شد. این یعنی اینکه پیامبر ساکت نشست که ظلم وارد آمده را تحمل کند بلکه با اتخاذ راهبرد فعال تلاش نمود فریاد مظلومیت مسلمانان و قساوت کفار را به گوش دیگران برساند که خودش در تبلیغ اسلام مؤثر بود و در آخر کار به علت اخلاص عمل از فضل خداوند به غنا رسیدند و روسیاهی بر صورت ذغالی کفار قریش ماند.

هرچند به بیان مقام معظم رهبری ما امروز در شرایط بدر و خیبریم و نه شعب ابی‌طالب، لکن پرداختن به این موضوعات تاریخی بسیار درس آموز است.

اتخاذ تولید به‌عنوان اساس اقتصاد

تلاش جهادگونه در تولید ثروت

غنایت در مصرف

وحدت و اخوت

مدینه تازه مسلمان شده. نمونه دیگر این فشارهای اقتصادی در مدینه تازه مسلمان شده می‌بینیم. مدینه‌ای که سال‌ها درگیر جنگ داخلی و طایفه‌ای اوس و خزرج بود حالا مهاجرین فقیر و ندار هم اضافه شده‌اند. جنایات منافقین مدینه و یهودیان آن و در کنار آن‌ها جنگ‌هایی که کفار تحمیل می‌کردند نیز نباید از نظر دور بماند. حالا در این شرایط که حکومت نوپای اسلامی در مدینه پا گرفته، کفار قریش تصمیم به تحریم و محاصره اقتصادی مدینه می‌گیرند. مدینه کاملاً محاصره می‌شود هیچ کاروان اقتصادی به مدینه راه ندارد و هیچ مال‌التجاره‌ای از اهالی مدینه به خارج نه راه دارد و نه امنیت. در این شرایط پیامبر (ص) دست‌به‌کار می‌شود. ایشان به‌عنوان یکی از راهبردهای اقتصادی خویش در آن شرایط، اساس اقتصاد را بر «تولید» می‌نهند و به امت اسلامی دستور کار و فعالیت

اقتصادی می‌دهند و البته خود ایشان هم جهادگونه در این امر وارد می‌شوند. ایشان از مردم می‌خواهند که با توجه به شرایط باید مایحتاج خود را خودشان تولید کنند و به نبود آنچه در مدینه توان تولیدش نیست عادت کنند. ایشان در آن سال‌ها از دستورات و سیاست‌های اقتصادی اسلام به تدریج پرده برداشته و در انتها می‌بینیم رونق اقتصادی نصیب مردم مدینه می‌شود.

در مدینه تحریم شده پیامبر (ص) عهد اخوت اقتصادی بین مردم می‌خواند و می‌گوید هر مرد انصاری باید یک مرد مهاجر را در کنار خود حمایت کند و به برادری گیرد. این یعنی در اقتصاد مقاومتی ما باید به هم‌وطنانمان به چشم برادرانی بنگریم که خیر ما در خیر رساندن به آنهاست. نه با احتکار و گران‌فروشی و کم‌فروشی در حقشان ظلم کنیم و مال دیگران را بخوریم آن‌هم بدون ترس و واهمه...

در مدینه تحریم شده پیامبر (ص) با تمام وجود اخلاق رذیله مانند مصرف‌گرایی، اسراف، بریز و به پاش و تجملات را موردنقد و نکوهش قرار می‌دهند و آن‌ها را باعث فلاکت و بدبختی می‌دانند. این یعنی در اقتصاد مقاومتی امروز ایران ما نیز باید به شدت از این آسیب‌ها دوری کنیم. در آن شرایط پیامبر در برابر (ص) رذایل اقتصادی فعالیت‌هایی نیکویی چون صدقه، انفاق، خمس و زکات را معرفی می‌کنند. ایشان مردم را به رعایت قناعت دعوت می‌نمایند. یقیناً در اقتصاد مقاومتی باید اغنیا جامعه در این امر وارد شده تا می‌توانند تلاش کنند. یقیناً هیچ‌کس که تاکنون اهل انفاق و صدقه بوده دچار فقر نشده شاید به جایی هم نرسیده و غنایی نیافته اما خداوند اجازه هم نداده به فقر و تنگ‌دستی و بی‌آبرویی دچار شود.

پیامبر (ص) در مدینه با کمک نیروهای امنیتی به شدت تهدیدکنندگان امنیت اقتصادی مردم و زالوهای اقتصادی را تنبیه و مجازات می‌کردند. کم‌فروشان، گران‌فروشان، محتکران، دزدان، حرامیان، رباخواران و رشوه‌بگیران هیچ‌کدام نه امنیت داشتند و نه تاب مقاومت در برابر شدت عمل رسول‌الله (ص) را. ایشان در عین اینکه رحمت للعالمین بود با منافقین و کفار و حرامیان اشداء علی الکفار بود. ایشان نیز با کمک نیروهای امنیتی و اطلاعاتی زبده خود فضا را برای کاروان‌های تجاری مکه و قریش ناامن می‌ساخت و در برابر تحریم آن‌ها و محاصره عمل متقابل به مثل انجام می‌داد. خوب که دقت می‌کنیم می‌بینیم آن رفتارها در ۱۴۰۰ سال پیش دواي امروز دردهای ماست به شرطی که کمی اهل مقاومت اقتصادی باشیم و فقط به رفاه فکر نکنیم.

آنچه در مدیریت درست و اصول‌گرا اهمیت اساسی دارد مداومت امور است نه صرفاً آغاز کردن کارها. آن‌هایی که روحیه استقامت در کار و پایداری تا به انجام رسیدن آن را ندارند هرگز به مقصد نمی‌رسند. پیامبر خدا (ص) و پیروانش برای رسیدن به مقصد و انجام گرفتن کامل برنامه‌ها، مأمور به

استقامت هستند، استقامتی خالی از افراط و تفریط و زیادی و نقصان، استقامتی که در آن طغیان وجود نداشته باشد. هنگامی که آیه ۱۱۲ سوره هود نازل شد (فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أَمَرْتِ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ...)، پیامبر فرمود: «شَمِّرُوا شَمِّرُوا» «دامن به کمر زنید، دامن به کمر زنید» یعنی وقت کار و تلاش بسیار و جدیت است که بدون آن بار به مقصد نخواهد رسید و به درستی که موفقیت و پیروزی و وسعت روزی و نعمت بسیار در سایه پایداری در مسیر حق به دست می‌آید [۷].

مدیریت مصرف / اصلاح الگوی مصرف. از آنجاکه مصرف فقط تابعی از تولید و توزیع نیست، بلکه از جهتی، تولید و توزیع هم تابع مصرف است، الگوی مصرف در زندگی فردی و اجتماعی تأثیر فراوانی بر دیگر عرصه‌های اقتصادی خواهد داشت. بنابراین، رفتار مصرف‌کننده و چگونگی تخصیص درآمد، نقش بسزایی در شکل‌دهی فعالیت‌های اقتصادی خواهد داشت. به‌طور کلی جوامعی که توان تولیدی بالا و میانه‌روی در مصرف را دارند، از پیشرفت بیشتر و بهتری برخوردارند. از این‌رو، مصرف‌گرایی یکی از آفات مهم اقتصاد در جوامع به حساب می‌آید. توصیه و دستور پیامبر گرامی اسلام (ص) در مصرف، اعتدال و کفاف بود و آن حضرت مسلمانان را به این شیوه دعوت می‌فرمود و از این شیوه به‌عنوان یک ضابطه در همه فعالیت‌های اقتصادی استفاده می‌کرد. هرچند اعتدال و میانه‌روی زیربنای تعالیم اسلام است و اصولاً اسلام، افراط و تفریط در تمام ابعاد زندگی بشر مبارزه کرده است [۳۵].

ساده‌زیستی. یکی از دستورات حیات‌بخش اسلام و سیره عملی پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) بوده و جملگی بر این امر تأکید داشته‌اند. سیره رسول خدا سراسر ساده‌زیستی و پرهیز از هرگونه اسراف و تبذیر بود چنانچه پیرامون شخصیت پیامبر این‌گونه نقل می‌کنند که حضرت در زندگی ساده‌زیستی را انتخاب کرده بود و به همین جهت با اسراف و رفاه‌طلبی به شدت مبارزه می‌کرد و چنانچه در کتب تاریخی بیان شده است هدیه پیامبر به افراد رفاه‌طلب یک زمین خشک و بی‌علف بود که از آن‌ها می‌خواست که آن را آباد کنند.

حضرت علی (ع) در بیان ساده‌زیستی پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: پیامبر (ص) روی زمین غذا می‌خورد و [با تواضع] همچون بردگان می‌نشست؛ با دست خویش کفش و لباسش را وصله می‌کرد، بر مرکب برهنه سوار می‌شد و [حتی] کسی را پشت سر خویش سوار می‌نمود. او با تمام قلب خویش از [زرق و برق] دنیا اعراض کرد و یا آن را در وجودش میراند. وی سخت علاقه‌مند بود که زینت‌ها و

زیورهای دنیا از چشمش پنهان شود تا از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه همیشگی نداند؛ و امید اقامت دائم در آن نداشته باشد؛ لذا آن را از روحش بیرون راند، از قلبش دور ساخت و از چشمش پنهان داشت. [آری] چنین است کسی که چیزی را منفور می‌دارد، نگاه کردن و یادآوری آن را نیز منفور می‌شمرد. آن حضرت نمی‌خواست که هیچ چیز میان او و محبوبش حائل شود و نیازش را به او در غفلت برد و اتصالش را به حق مانع شود، پس درویشانه زیست [۷].

پیامبران و ائمه علاوه بر بی‌اهمیت دانستن زرق و برق و زخارف دنیوی، زندگی ساده را اساسی‌ترین عامل در حرکت به سوی آرمان‌های بلند الهی می‌دانستند. گوشه‌ای از سیره پیامبر در این خصوص از زبان امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران خالی از لطف نیست، آنجا که می‌فرماید: «پیغمبر که خلیفه‌الله بود، همه او را قبول داشتند، وقتی که توی مسجد می‌نشست نمی‌شناختندش، کسی که از خارج می‌آمد، نمی‌شناخت برای اینکه بالا و پائینی در کار نبوده، آن وقت حتی یک همچو چیزی هم نبوده است که بیندازد زیرش... روی یک حصیر، اگر خوب بود حصیر و الا روی زمین می‌نشست، اسلام این است. ما دلمان می‌خواهد یک همچو، البته قدرت ما نداریم که این که هست عرضه کنیم اما هر چه، هر چه آدم بخواهد به مبدأ خیر نزدیک بشود، باید خودش را نزدیک کند، حالا من نتوانستم مثل مالک اشتر عمل کنم خوب، هر چه بتوانم خودم را نزدیک کنم به آن‌ها، باز خوب است و من امیدوارم که مملکت ما یک مملکت اسلامی بشود، جوان‌های ما، یک جوان‌های مسلم، معتقد به اسلام بشود و اگر این ایمانی که ما را پیش برد، باقی باشد، احدی دیگر نمی‌تواند به شما تعدی کند و ان شاء الله نخواهد توانست». این کلام رهبر یک نظام است که ساده زیستی او شهره عام و خاص بود.

یکی از پیامدهای این ساده زیستی و تواضع، به‌ویژه در خصوص مسئولین، همانا نزدیکی قلوب آحاد جامعه با رهبری و سران نظام است. این پیوند معنوی، عامل مهمی در بقاء و استحکام نظام جمهوری اسلامی از ابتدا تاکنون بوده است. این همان چیزی است که از آن به‌عنوان رمز نفوذ فرمان رهبری نظام در عمق دل‌وجان مردم می‌توان تعبیر کرد.

«پیوند حقیقی با مردم، مستلزم حضور در میان آنان و دور نشدن از سطح متوسط زندگی آنان است. ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت‌المال در امور شخصی و غیرضروری، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافی‌گری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده‌ی خارجی از کیسه‌ی مردم، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده با مردم است.» همچنین باید به این نکته مهم توجه کرد که ساده زیستی فقط با توصیه

کلامی و بر سر زبان میسر نیست. این طور نباید باشد که مسئولین توصیه‌کننده ساده زیستی باشند اما خود در زندگی شخصی خود تجملاتی باشند.

از دیگر سو اشرافی‌گری مسئولین از این نظر نکوهیده است که باعث تشویق مردم به اشرافی‌گری می‌شود، زیرا که آن‌اس علی دین مَلوکِهِم. روزی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص)، در محله‌ی قبا حضور داشت و هنگام افطار که فرا رسید آن حضرت درخواست نوشیدنی نمود، شیر آمیخته با عسل برای آن حضرت آوردند، فرمود: دو نوشیدنی که به یکی از آن‌ها می‌توان بسنده کرد، نه آن را می‌نوشم و نه تحریمش می‌کنم و لکن در پیشگاه الهی تواضع می‌کنم که هر کس تواضع کند خداوند او را رفعت بخشید و هر کس که تکبر ورزد خداوند او را فرود آورد و هر آن کس که در زندگی اهل میانه‌روی باشد خداوند روزی‌اش دهد و هر آن کس که اهل تَبذیر باشد خداوند محرومش سازد و هر آن کس که یاد مرگ بسیار کند خداوند او را دوست دارد [۶۰].

ساده‌زیستی رهبران دو نتیجه و پیامد مثبت دارد و عدم رعایت آن دو خطر بزرگ: در صورت اول فقیر می‌تواند با نگاه و تأمل در زندگی حاکمان و رهبران، زندگی آمیخته به فقر خویش را به راحتی تحمل کند و احساس تبعیض ننماید تا زمانی که فقر از همه جامعه زدوده شود؛ و ثروتمندان جامعه گستاخ نشده و طغیان نمی‌کنند و طبیعی است در صورت دوم یعنی در جامعه‌ای که حاکم اسلامی و هیئت حاکمه کاخ‌نشین باشند، انسان‌های فقیر و مستضعف تحملشان طاق شده و دیگر نمی‌توانند صبر کنند و همچنین ثروتمندان طغیان کرده، گستاخ شده و دست به چپاول می‌زنند [۷].

نهی از اسراف و تبذیر. قرآن در نهی از زیاده‌روی در مصرف می‌فرماید: ای فرزندان آدم، زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد (اعراف، ۳۱)؛ همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بخورید، بیاشامید، بیوشید و صدقه دهید ولی اسراف نکنید.» و نیز فرمودند: «بدترین امت من مرفهان خوش‌گذرانی هستند که جسم‌هایشان بر اسراف می‌روید». حضرت همواره میانه‌روی را ضامن بی‌نیازی می‌دانست و مصرف بیش‌ازحد نیازمندی نهی می‌کرد. ایشان می‌فرمودند: «ای علی، چهار چیز بی‌ارزش و زیان‌بار است که یکی از آن‌ها خوردن در حال سیری است.» بی‌شک خوب زیستن مستلزم زیاده‌روی در خوراک و پوشاک نیست، بلکه به میزان نیاز مصرف کردن و برطرف کردن نیازمندی‌ها با حداقل مصرف است. چه بسا افرادی که مال و ثروت فراوانی دارند، اما نه‌تنها در آسایش و راحتی نیستند، بلکه رفتاری‌ها و مشکلات بی‌شماری دارند که روزه‌روز هم بیشتر می‌شود. پیامبر اکرم (ص): «خوشا به حال آن مسلمانی که درآمدش به قدر کفاف باشد» [۱۶].

رسول اکرم در بیان نتایج اسراف و تبذیر می‌فرمایند: «هرکس تبذیر [ریخت‌وپاش و اسراف] کند خدا او را [از روزی] محروم کند.» و یا در بیان دیگری می‌فرمایند: «هرکس تبذیر کند خدا او را فقیر کند» [۱۶].

در سیره اقتصادی معصومین علیهم‌السلام در باب مصرف، پرهیز از دو پدیده اسراف و تبذیر به‌وضوح دیده می‌شود تا جایی که در رفتار اقتصادی پیامبر عظیم‌الشأن اسلام آمده است که آن حضرت صلی‌الله‌علیه و آله حتی هنگام تناول خرما از دور ریختن هسته‌های آن اجتناب کرده و آن را به مصرف خوراک دام می‌رساند.

اعتدال و کفاف. اعتدال و میانه‌روی به‌عنوان یک ضابطه، در تمامی تلاش‌ها و رفتارهای اقتصادی در آموزه‌های دینی موردتوجه است. بدین‌جهت است که در آموزه‌های دینی به همان اندازه که به اعتدال و میانه‌روی سفارش شده از اسراف، اتلاف و تبذیر نیز منع گردیده است. در اسلام، چه برای مصرف شخصی و چه برای مصرف اجتماعی، دو حد پایین و بالا در نظر گرفته شده است که حد بالا عبارت است از اسراف و حد پایین عبارت است از بخل. حضرت ختمی‌مرتب (ص) می‌فرماید: طوبی لمن اسلم و کان عیشه کفافا [۶۱] خوشا به حال آن انسانی که اسلام آورد و معاش او به قدر کفاف باشد، یعنی درآمدش برای زندگیش وافی و کافی باشد. همچنین در بیان دیگری فرمودند: «میانه‌روی در نفقه و هزینه زندگی نیمی از معیشت است.» [۱۶]

روایت است رسول اکرم (ص) با جمعی در بیابان به کسی که شترانی را به چرا برده گذر کردند، حضرت از او درخواست کرد که مقداری شیر بدهد که آنان بنوشند، جواب داد: شیری که در پستان شتر است برای صبحانه است و آنچه دوشیده‌ام، در ظرف است برای شب است و شام ما است، خلاصه به پیامبر و یارانش شیر نداد، پیامبر (ص) درباره او دعا کرد و گفت: «اللهم اکثر ماله و ولده» بارالها مال و فرزندان او را زیاد کن. اخلاق اسلامی و پیامبری آن حضرت اقتضایش این بود که نه تنها عکس‌العملی به خرج نداد، بلکه در حقش دعا کرد که خداوند مال و اولادش را بیفزاید؛ و پیامبر با یارانش از آنجا گذشتند و به گوسفندچرانی رسیدند که به چرانیدن گوسفندان مشغول بود، برای گرفتن شیر نزد او فرستاد، آن مرد رفت و آنچه در پستان‌های گوسفندان بود دوشید و آنچه را هم که در دست داشت نیز آورد. به حضرت تقدیم نمود و بعد هم گوسفندی آورد و گفت: این‌ها چیزی بود که در نزد من بود و اگر میل دارید باز زیادتر کنم. پیامبر (ص) «اللهم ارزقه الکفاف» فرمود: بارالها به او به قدر کفایت عنایت فرما. در حقیقت در حقش دعای خیر کرد، خداوند روزی کفاف بر او مرحمت فرماید، آن روزی و رزقی که برای او حفظ آبرو نماید ولی بخیلان زراندوز، که به‌روزی کفاف اکتفا و

قناعت نمی‌کنند؛ در حقیقت پیامبر در حق آن مرد شترچران نفرین کرد و فرمود خدایا تو مال و اولادش را زیاد کن که او به کم قانع نیست. بعضی از اصحاب به اعتراض، عرض کردند: یا رسول‌الله درباره کسی که خواسته شما را رد کرد دعایی نموده‌ای که تمام ما آن دعا را دوست داریم و درباره کسی که تمام شیر گوسفندانش را با گوسفندی به شما اعطا نمود؛ دعایی فرمودی که هیچ‌یک از ما به آن دعا میل نداریم. حضرت فرمود: آنچه کم باشد؛ و امر زندگی را کفایت کند بهتر از بسیار است که آدمی را غافل کند و منحرف سازد. بنابراین دعای پیامبر (ص) برای آن کس که دست رد به سینه آن حضرت زد و ایثار نکرد و شیر شام و صبحانه‌اش را به پیامبر نداد؛ حضرت در حقیقت او را نفرین کرد، مثل کسانی که مال و اولاد برای آن‌ها فتنه معرفی شده و آن کس که شیر اختصاصی شام و صبحانه‌اش را با گوسفندی به آن حضرت هدیه داد و ایثار کرد پیامبر (ص) دعای کفاف را در حق او عنایت کرد و به او دعای خیر کرد [۶۲].

مصرف کالای داخلی. سیره پیامبر اکرم (ص) این بود که همیشه به افراد یک جامعه توصیه می‌کرد تا از دسترنج خود بخورید و فوائد زیادی را برای این کار بیان می‌کردند از جمله اینکه هر فردی از دسترنج خودش بخورد خداوند متعال با نظر رحمت به او نگاه می‌کند و او را عذاب نمی‌کند «از دسترنج خویش بخورید و هر کس از دسترنج خویش بخورد خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی‌کند.» همچنین تأکید فراوان داشتند بر اینکه کارهای خود را خودتان انجام دهید و هرگز از دیگران به‌اندازه یک چوب مسواک کمک نخواهید: «کارهای خود را خود انجام دهید و هرگز از دیگران، اندازه یک چوب مسواک، کمک نخواهید» [۱۶].

به تحقیق می‌توان این دستورات و توصیه‌های رسول خدا را که در حوزه فردی بیان کرده‌اند را در حوزه اجتماع و همچنین جامعه اسلامی عمومیت داد و رمز موفقیت جامعه اسلامی را در این نکته دانست که جامعه‌ای می‌تواند به موفقیت دست پیدا کند و در برابر ابرقدرت‌های دنیا مبارزه کند که همه مایحتاج خود را خودش تهیه کند و حتی به‌اندازه یک چوب مسواک محتاج دیگران نباشد.

در کلامی دیگر از پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله علیه و آله در این باره چنین آمده است: «ما أكل احد طعاماً قط خيراً من ان ياكل من عمل يده و ان النبي داود كان ياكل من عمل يده»؛ هیچ غذایی گوارتر از غذایی که انسان با کار کردن با دست خویش به دست آورد نیست. بی‌تردید داود پیامبر از طریق کار با دست، روزی خود را تأمین می‌کرد.

پیامبر عظیم‌الشأن اسلام صلی‌الله علیه و آله خود قبل و بعد از بعثت، به فعالیت‌های اقتصادی

مشغول بود.

استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات. نبی مکرم اسلام (ص) فرمودند: «انسان، در روز قیامت قدم از قدم برنمی‌دارد، مگر آن‌که از چهار چیز پرسیده می‌شود: از عمرش که چگونه گذرانده است، از جوانی‌اش که چگونه سپری کرده، از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است و از دوستی ما اهل بیت».

سیره رسول خدا (ص) بر این بود که از تمام ظرفیت‌های جامعه به‌خوبی استفاده کند تا امور به سرانجام برسد و به همین جهت از افراد مختلف برای نهایی شدن کارها استفاده می‌کرد از ثروت حضرت خدیجه سلام‌الله علیها گرفته تا شمشیر و درایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و همچنین مشورت با افراد متعهد و متخصص از جمله اقدامات پیامبر اعظم در این راستا بوده است. رسول خدا (ص) فرمود: دوستی با مردم نصف عقل است و پرسش نیکو نیمی از دانش و برنامه داشتن در هزینه‌ها نصف زندگانی و شادمانی است.

اما این جمله معروف که اسلام با شمشیر امیرالمؤمنین (ع) و ثروت خدیجه (س) پابرجا ماند نیاز به تأمل دارد. توجه کنید که ثروت حضرت خدیجه (س) هیچ‌گاه به‌عنوان رشوه بر پذیرش اسلام به مردم داده نشد و برای جذب قلوب کافران پرداخت نگردید. بلکه صرف حفظ جان مسلمانی گشت که به خاطر اسلام و آرامش، با بزرگ‌ترین مشکلات و دردها مواجه بود. همان مردم مسلمانی که قریش در ستیز با او از هر سلاح غیرانسانی و اخلاقی که در توان داشت استفاده کرد، حتی از سلاح فقر و گرسنگی نیز علیه او کوتاهی نکرد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که آن سرمایه‌ای که از خدیجه در «محاصره» مصرف گردید، غالباً از آن مواردی بود که برای نجات جان گرسنه و پوشش بدن برهنه قابلیت داشت [از اندوخته‌های غیرنقدی] و اما بقیه سرمایه او [اموال نقدی] احتمالاً در آن جهت به‌کار گرفته نشد؛ زیرا مسلمانان در شرایط شعب ابوطالب امکان خریدوفروش را در بیشتر ایام نداشتند [۲۱].

عاقبت نیز همان‌طور این صبر و شکیبایی و استقامت در راه پیامبر اسلام و یاران راستین وی بود که موجب پیروزی ایشان و شکست کفار شد.

استفاده حداکثری از منابع فقط معطوف به امکانات مادی نمی‌شود بلکه منابع انسانی به‌عنوان بارزش‌ترین منبع همواره در گلوگاه‌های سخت به‌ویژه در شرایط بحرانی کارگشا بوده‌اند. به‌عنوان مثال می‌توان از حمایت‌های معنوی حضرت ابوطالب، عموی بزرگوار پیامبر (ص) و بزرگ‌مرد مکه یاد نمود. او حامی و یاور پیامبر از دوران کودکی بوده و در دفاع از او، آیین و رسالت وی از دست و زبان و جان و مال خویش فروگذار نبود. موارد زیر گوشه‌ای حمایت‌های فداکارانه ابوطالب است:

- ابوطالب مجبور شد برای حمایت از پیامبر از موقعیت خود در بین قوم خویش دست بردارد و در وضعیتی [درست] ضد آن به سر برده و دشمن قوم خود و دیگر اقوام آن شهر و بلکه دشمن همه دنیا شود؛ و بالاتر اینکه او تبعید و انزوای اجتماعی را به خاطر حضرت و هرکه به او پناه برد، تحمل نموده و هرگز سازش نکرد.

- ابوطالب به گرسنگی، فقر و محاصره اقتصادی تن می‌دهد، حتی ثروت و تمام اندوخته خود را در آن انفاق می‌کند.

- او خود را در صورت لزوم، جهت ورود به جنگی ویرانگر که احتمالاً باعث از بین رفتن خاندان هاشم و مخالفین ایشان خواهد شد آماده می‌کند. وی خردسال‌ترین کودک خود علی (ع) را قربانی کرده و [از سویی] رنج غربت فرزند دیگر خود، جعفر را به حبشه، تحمل می‌کند.

- ابوطالب با دست و زبان خود جهاد می‌کند، تمام امکانات مادی و معنوی خویش را در [در این مسیر] بکار می‌بندد، از مشکلات و سختی‌ها باکی ندارد، از این آیین دفاع می‌کند و با هر طریقی که بتواند با دقت و توجه از آن محافظت می‌نماید [۲۱].

- ابوطالب در طول سال‌های محاصره هنگامی که شب‌ها مردم به بسترهای خود می‌رفتند، یکی از فرزندان یا برادران و یا عموزادگان خود را می‌فرمود تا در بستر رسول خدا (ص) بخوابد و متقابلاً از آن حضرت می‌خواست با به بستری دیگر رود و آنجا بخوابد [۱۶].

بدین‌سان آن عمومی بزرگوار در مقابل هرگونه سوءقصد احتمالی تدابیر احتیاطی لازم را به عمل می‌آورد و باآنکه پیرمردی در آخرین سال‌های حیات خود بود او را در بستر خود [یا بستر دیگر] می‌خواباند و دیگری را به‌جای او می‌خوابانید و نیز هرازچندگاه جای رسول خدا (ص) را تغییر می‌داد. کمک و حمایت تا سرحد جان این‌گونه یاران راستین پیامبر بود که موجبات پایداری بیشتر و پیروزی اسلام را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر تفرقه و عدم اتحاد از یک‌سو و کارشکنی منافقان به‌ظاهر مسلمان بود که به‌رغم شرایط پیروزی همچون احد، نتیجه شکست را برای مسلمانان رقم زد [۲۰]. نکته قابل‌توجه دیگر در سیره رسول خدا (ص) تمایل به استفاده از نیروی جوانان است. ایشان «هم به نسل جوان در حوزه‌های فرهنگی میدان می‌داد و هم آن‌ها را در عرصه‌های مدیریت به کار می‌گرفت تا از انرژی و توانمندی و خلوص و مجاهدتشان استفاده نماید و هم شایسته‌سالاری را محور مدیریت خود قرار می‌داد نه شیخ‌گرایی و مسن‌گروی که معیارهای جاهلی بود و برای او شیخ و شهاب در معیارگرایی و اصول‌مداری حکومتی فرقی نداشت و به تجربه، تعهد و طراوت و شادابی جوان نیز اهتمام ویژه‌ای داشتند و در طول دوران بعثت چه قبل از هجرت و چه بعد از هجرت از نیروهای

کارآمد و شایسته جوان استفاده می‌کرد چنان‌که مصعب بن عمیر مبلغ و گوینده نامی اسلامی را به درخواست اسعد بن زراره به‌عنوان سفیر تبلیغی و نماینده فرهنگی خویش به مدینه اعزام کرد» [۳۲].

حرکت بر اساس برنامه. رسول مکرم اسلام (ص) در بیانات ارزشمند خود می‌فرماید: «اما دستاوردهای هوشیاری: متانت، هدایت، نیکوکاری، پارسایی، کامیابی، میانه‌روی در راهپیمایی، میانه‌روی در امور زندگی، راستی، بزرگواری و شناخت دین خدا؛ این‌همه در سایه هوشیاری نصیب خردمند می‌شود؛ پس خوشا به حال آن‌که بر اساس برنامه درست گام برمی‌دارد» [۱۶].

پیامبر اکرم، حضرت محمد (ص) به‌عنوان کامل‌ترین شخص در دین اسلام، همواره برنامه‌هایی در جهت تحقق اهداف مختلف جامعه اسلامی به کار می‌بردند. برنامه‌های ایشان در جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، شهری، نظامی، امور مملکت‌داری و... بوده و حضرت راهبردهای مشخصی را درخصوص اجرای هر یک از این برنامه‌های فوق‌الذکر به مرحله اجرا می‌گذارند. حوزه برنامه‌ریزی پیامبر (ص) تنها محدود به جامعه و مردم نمی‌شود بلکه ایشان در زندگی فردی خود نیز برنامه‌های لازم را داشته‌اند که می‌توان به برنامه‌ریزی در امور خانه، خانواده، عبادت، سفر و... اشاره کرد.

مهم‌ترین هدف پیامبر اسلام (ص) از برنامه‌ریزی سیاسی، دستیابی به امت واحده بوده است و یکی از مصداق‌های این برنامه‌ریزی از تلاش‌های پیامبر در جلوگیری از تشتت و پراکندگی اجتماعی جامعه آن روز از یک سو و در مقابل تلاش برای ایجاد نوعی وحدت سیاسی برای تحقق جامعه اسلامی است. تلاش‌های ایشان برای حذف انگیزه‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای امت عرب در حضور اجتماعی آنان و نیز جایگزینی علایق و تمایلات اصیل و مذهبی، نمونه‌ای دیگر از برنامه‌ریزی‌های سیاسی حضرت برای تشکیل یک نظام واحد سیاسی در محیط متشنج و ناهمگون مردم جاهلی، به دنبال اعطاء یک محور واحد و کوشش برای جلب انگیزه‌های اجتماعی مردم آن روزگار است [۱۴]. از دیگر برنامه‌های حضرت می‌توان به بیان مصداق‌های درزمینه برنامه‌های فرهنگی حضرت برای تحول عرب جاهلی به جامعه متمدن در مدینه‌النبی اشاره کرد. حرکت‌های فرهنگی پیامبر (ص) عمدتاً با استفاده از آیات قرآن صورت می‌گرفته است. مردم جاهلیت در چند محور دچار مشکل اساسی بودند، افق دید آن‌ها محدود، برنامه‌ی زندگی‌شان نامطلوب و از اندیشیدن دور بودند. پیامبر (ص) در همه این ابعاد برنامه‌های فرهنگی مناسبی ارائه فرموده‌اند [۱۰]. نبی مکرم اسلام با راهبردهای طرح

نظریه توحید در مقابل شرک، به کارگیری قرآن کریم، توجه به جایگاه و ارزش تفکر و مبارزه با تقلید بی‌اساس، توجه به معاد برنامه فرهنگی خود را پیاده‌سازی نمودند [۱۸].

برای نمونه می‌توان به برنامه فرهنگی پیامبر در خصوص تغییر باورهای غلط عرب جاهلی در خصوص و توجه دادن آن‌ها به معاد و روز رستاخیز اشاره کرد. در جامعه جاهلی آن زمان، فرد مسئول ایمان خود نبود. مسئولیت به صورت دسته‌جمعی و قبیله‌ای طرح شده بود. اگر فردی خطا می‌کرد پدر یا رئیس قبیله و عشیره و کل قبیله بار گناه او را به دوش می‌کشید. اگر عضو قبیله خسارت یا زخمی به دیگری وارد می‌کرد قبیله‌ی فرد مسئول بود نه خودش، بنابراین مسئولیت شخصی در قبال بزهکاری مفهوم نبود و این به‌عنوان یک عامل اساسی موجب عدم تغییر رفتار اجتماعی می‌شد، در اینجا اندیشه معاد به میان آمد [۱۰]. پیامبر با به‌کاربردن استراتژی، امید برای انجام کارهای خوب و ترس از انجام کارهای بد را برای انسان‌ها افزایش داد. این استراتژی فرهنگی از روابط ناسالم اجتماعی، از ظلم و ستم‌های اقتصادی، از دروغ و ریا، خوردن مال یتیمان و ... جلوگیری کرده و در عوض به تقویت اعمال صالح می‌انجامید. چراکه این اندیشه رواج یافت که دنیا مزرعه آخرت است و هرچه در این دنیا بکاری در آخرت درو خواهی کرد. پیامبر اکرم (ص) در همه این مراحل از استراتژی فرهنگی تدریج بهره می‌برد. چراکه پیش برد برنامه‌های فرهنگی و کلیه برنامه‌های مربوط به دین، بدون رعایت اصل تدریج باعث خستگی زود هنگام جامعه از این برنامه‌ها شده و موجب طرد آن‌ها می‌شود. لذا پیامبر اکرم (ص) به این نکته توجه داشتند که تمامی برنامه‌ها را با استراتژی فرهنگی اصل تدریج در اختیار مسلمانان قرار دهند.

از دیگر نمونه‌های برنامه‌ریزی فرهنگی پیامبر در زمینه توجه به جایگاه و ارزش تفکر و مبارزه با تقلید بی‌اساس بود. تکیه‌گاه اصلی اعتقادات در میان مردم جزیره العرب عادت و تقلید بوده این عادت به‌مرور زمان نوعی رابطه‌ی قدسی بین آن‌ها و بت‌ها ایجاد کرده بود. همین رابطه پشتوانه احترام آن‌ها بر این معتقدات بود. نفی این اعتقادات به معنای نفی عقل و استدلال بلکه در واقع به معنای نفی ارزش‌های آبا و اجدادی آن‌ها بود. اگر کسی موفق می‌شد این قداست را از بین ببرد، این مردم هیچ استدلالی برای دوام و ثبات این اندیشه نداشتند. بر همین اساس مبارزه‌ی فکری پیامبر (ص) با اعتقادات مزبور به‌طور عمده بر دو محور خلاصه می‌شود: اول بی‌اعتبار کردن بت‌ها در چشم بت-پرستان، دوم گذر دادن جامعه از بسنده کردن به حواس، به‌سوی اندیشیدن. این هر دو حرکت به‌طور هم‌زمان اتفاق افتاد. پیامبر اکرم (ص) برای سوق دادن بیشتر مردم به تفکر علاوه بر اینکه ساختار دین او به‌گونه‌ای طراحی شده است که عقلانیت انسان را تقویت می‌کند مرحله اول، دعوت به تفکر است که در خلال آیات قرآن به آن پرداخته شده است. در مرحله دوم تفکر را به‌عنوان عبادت بلکه بهترین

عبادت مطرح می‌نماید. بهترین انگیزه برای ترغیب مردم به سوی یک عمل آن است که آن را عبادت معرفی کنند و بالاتر، تفکر ملاک ارزش‌گذاری عبادت می‌شود [۱۰].

یکی دیگر از برنامه‌ریزی‌های حضرت مربوط به زمینه امور اجتماعی است و به‌عنوان نمونه می‌توان به ترویج فرهنگ اخوت و برادری اشاره نمود. رسول مکرم اسلام با بیان «انما المؤمنون اخوه» قانونی را در بین مسلمانان مؤمن تشریح کرده و نسبتی را برقرار ساخت که قبلاً برقرار نبود. در منطق دین، مسلمان برادر مسلمان، چشم، آینه و راهنمای اوست و از ائمه (ع) منقول است: حقیقت ایمان آن است که بنده کامل نمی‌شود تا وقتی که برادرش را دوست بدارد [۲۴]. رسول خدا (ص) برای تحقق عینی اصل اخوت دو بار میان مسلمانان پیمان اخوت بست و این جلوه‌ی زیبای ایمانی را جلوه اجتماعی بخشید. بار اول پیش از هجرت میان مهاجرین بود که آنان را برای حرکتی بزرگ و سرنوشت‌ساز و سرفصلی جدید همراه با همه گونه سختی آماده کرد. بار دوم چندی پس از ورود به مدینه، نظامی الهی را پی ریخت و امت واحدی را تحقق بخشید. روشن است که ایجاد حکومت صالح و شکل دادن امتی یکپارچه و همسو جز در سایه پیوند محکم انسان‌های مؤمن میسر نمی‌شود. اختلاف‌های میان مسلمانان سد بزرگی در راه این هدف‌های والا بود. ریشه اختلاف از یک سو اختلاف میان خود مردم مدینه یعنی قبایل اوس و خزرج بود که به سبب جنگ‌های طولانی عمق زیادی داشت. عقد اخوت کلیدی برای گشودن همه عقده‌ها بود [۲۴]. درواقع پیامبر با ایجاد عهد اخوت و پیمان برادری ساختار قومی و قبیله‌ای و پرداختن به تعصبات را از میان برد و محبت، دوستی و برادری را در میان مسلمانان رواج داد. پیامبر (ص) با طرح پیمان برادری انصار و مهاجرین، از ظرفیت خاص چارچوب اجتماعی جامعه‌ی عربی، در جهت اهداف تحقق امت واحد بهره می‌برد و به بیان نویسندگان تاریخ اسلام نه‌تنها موفقیت بارز پیامبر (ص)، باعث تعجب افرادی چون ابوسفیان شده که حتی آثار و پیامدهای این مساوات اسلامی تا مقدم داشتن در اموال و دارائی‌های مؤمنان نسبت به یکدیگر هم پیش رفت [۱۴].

پیامبر نه‌تنها اصول برنامه و برنامه‌ریزی را به‌طور کامل رعایت می‌کردند بلکه مقدمات برنامه‌ریزی را هم به بهترین نحو ممکن انجام می‌دادند. یکی از اصول مقدماتی و پیش‌شرط‌های اساسی در برنامه‌ریزی گردآوری اطلاعات و آگاهی از وضع موجود است. با نگاهی به سیره پیامبر (ص) می‌توان سرشماری و گردآوری اطلاعات را در تمام زمینه‌ها یافت. این رویکرد بیانگر این است که حضرت هیچ کاری را بدون شناخت قبلی و آگاهی‌های لازم انجام نمی‌دادند. پیامبر اسلام پس از عقد برادری و اخوت بین مسلمین و تأسیس حکومت شهری مدینه دستور دادند تا فهرست کسانی که تاکنون اسلام آورده‌اند تهیه شود [۱۵]. همچنین رسول اکرم (ص) در سال ششم هجری، در هر قبیله،

افرادی را به‌عنوان عریف تعیین کرد که مسئولیت گردآوری اطلاعات و آگاهی از وضع مردم را در جهت ارائه به حاکم برعهده داشتند. پیامبر اسلام (ص) همواره خواهان آمار دقیق مردان مسلمان بود و برای آمار مسلمانان مرد دفتر و سجل‌های مدونی موجود بوده است [۲۷]. درواقع پیامبر (ص) آمار مردان مسلمان را برای کارهای مربوط به جنگ و برنامه‌ریزی در این زمینه و یا زمینه‌های دیگر تهیه می‌نمودند.

ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی. هر جامعه و یا حکومتی که در آن عنصر عدالت نباشد، محکوم به زوال و نابودی است زیرا بدون عدالت بنیاد ظلم و ستم بنا می‌گردد و ریشه‌های حکومت و پایه‌های حکومت و پایه‌های جامعه را به ویرانی می‌نهد. عنصر عدالت، از چنان اهمیت و اعتباری در اسلام برخوردار است که به‌عنوان مهم‌ترین هدف بعثت انبیاء یاد شده است: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» اقامه قسط، همان اجرای عدالت است [۱۷].

رعایت عدالت یکی از اصلی‌ترین اصول در سیره حکومتی پیامبر اکرم (ص) است، به‌طوری‌که ایشان شالوده مناسبات حقوق و اقتصادی را بر قسط و عدل قرار داده بودند و در این میان اقدامات اساسی و دامنه‌داری انجام می‌دهند به‌عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

تقسیم اموال توسط عریفان: برای توزیع عادلانه ثروت، پیامبر مردم را به گروه‌های ده نفری تقسیم و برای هرکدام مسئولی تعیین کرده بود که «عریف» به معنای دانا و آشناست، یعنی کسی که یاران خود را می‌شناسد. معمولاً اموال توسط عریفان میان مردم به بهترین وجه تقسیم می‌شد، چون به‌خوبی یاران خود را می‌شناختند و از مقدار و چگونگی نیازشان باخبر بودند [۴].

رعایت اصل عدالت در تقسیم غنائم: اصل عدالت در تقسیم غنائم هم موردتوجه رسول خدا (ص) بود. یکی از مواردی که آن حضرت در تقسیم غنائم در نظر داشت این بود که نیاز و حاجات افراد نیازمند برطرف شود چنان‌که در هنگام تقسیم غنائمی که در جریان غزوه بنی‌نضیر به دست آمده بود تمامی غنائم با توافق انصار به مهاجرین داده شد و تنها به دو تن از انصار که به‌شدت نیازمند بودند سهمی اعطا شد [۱۲].

مصرف به‌اندازه نیاز: پس از پیروزی بر یهودیان ثروتمند بنی‌نضیر پیامبر از تقسیم زمین‌های آن میان مجاهدین خودداری نمود و مالکیت عمومی آن را اعلام کرد و در اختیار جامعه اسلامی گذاشت.

سپس همه اموال منقول را میان مهاجران فقیر قسمت نمود و سهمی به انصار نداد چون به نظر پیامبر آن‌ها احتیاج کمتری داشتند و مهاجرین محتاج‌تر بودند، همچنین در جنگ خیبر پیامبر از تقسیم اموال غیرمنقول میان جنگاوران خودداری ورزید و مقرر کرد که زمین‌ها، تماماً به همه مسلمان‌ها تعلق داشته باشد و نیز هنگامی که اموال زکات را تقسیم می‌کرد می‌گفت آنکه بی‌نیاز است و آنکه درآمدی دارد چیزی از مال زکات به او داده نخواهد شد. پیامبر با این اقدامات می‌خواست جلوی انباشتن ثروت را بگیرد و بنیاد نظام طبقاتی را براندازد اگر هرکس در حد احتیاج داشته باشد و بقیه را بدهد و یا از وی گرفته شود ثروتمند و فقیری در جامعه پیدا نمی‌شود و در نتیجه نظام طبقاتی از بین می‌رود و عدالت و مساوات در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تحقق پیدا می‌کند [۳۶].

ضبط اراضی حمی: «حمی» در لغت به معنای قرق کردن و به خود اختصاص دادن قطعاتی از زمین‌ها و چراگاه‌ها و جلوگیری از دیگران در استفاده و بهره‌برداری از آن است که از جمله امتیازات اشراف و رؤسای جاهلی بود. رسول اکرم (ص) با اعلام «لا حمی الا الله» حمی را لغو و در اختیار فقرا قرار داد. حضرت رسول (ص) با صدور حکم: «الناس شرکاء فی الثلاث، الماء و الکا و الناء» (مردم در بهره‌برداری از آب، مراتع و رویدنی و منابع سوخت و مواد سوختنی شریک‌اند). سه نیازمندی اساسی و عمده مردم در مالکیت اشتراکی جامعه قرار دادند. این سه هرگز به مالکیت خصوص و انحصاری در نمی‌آید.

تقویت فرهنگ کار و تلاش و تولید ثروت. بارزترین اثر کار، اثر اقتصادی آن است. نقش تعیین‌کننده کار در رشد و توسعه اقتصادی و فقرزدایی، بر کسی پوشیده نیست. بیکاری و کم‌کاری، افزون بر آثار فردی منفی هم چون فقر و کاهش درآمد، پیامدهای ناگواری بر اقتصاد ملی بر جای می‌گذارد، کاهش تولید، کاهش تقاضا و حاکمیت نوعی کساد در نتیجه‌ی کاهش درآمد افراد بیکار و در پایان رکود فعالیت‌های اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری برای دوره‌های آتی، از جمله‌ی این پیامدهاست.

یکی از موضوعاتی که همواره مورد تأکید دین اسلام قرار گرفته است بحث کار، تلاش و پرهیز از بطالت و نیز مبنا قرار دادن کار برای شکوفایی استعدادهای انسان و تربیت وی است؛ و این امر هم در قرآن و هم در سنت قابل‌مشاهده است. منطق قرآن، منطق کار و تحرک است و موفقیت انسان هم در دنیا و هم در آخرت را در گرو کار و عمل می‌داند؛ اگرچه مفهوم کار ریشه در

فطرت آدمی دارد و مورد توصیه عقل است، ولی خداوند تبارک و تعالی برای تأکید بیشتر و غفلت زدایی از وجود انسان‌ها، پیوسته ایشان را به کار و کوشش فراخوانده است؛ همان‌طور که فرمود: «و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست»^۱.

طبق سیره پیامبر اعظم اولین وظیفه مسئولین در جامعه اسلامی برای مبارزه با تحریم‌ها اهمیت دادن به موضوع اشتغال و ایجاد شغل‌های مناسب برای جوانان جویای کار است، چراکه می‌توان اشتغال را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان در اقتصاد مقاومتی محسوب کرد.

در سیره حضرت رسول (ص) نمونه‌های فراوانی از دعوت به کار و فعالیت افراد در جامعه و مبارزه با بیکاری و تن‌پروری مشاهده می‌شود و ایشان به‌شخصه برای ایجاد کار برای جوانان تلاش می‌کردند. بسیار دیده می‌شد که افرادی فقیر به خدمت پیامبر می‌رسیدند اما حضرت به‌جای اینکه به آن‌ها کمکی کند آن‌ها را به کار و تلاش تشویق می‌کرد. رسول خدا بیکاری و تکدی‌گری را لکه سیاهی می‌دانست که در قیامت افراد به آن دچار می‌شوند و به همین جهت برای ایجاد کار و تولید ملی در جامعه دو اقدام مهم انجام می‌دانند: اول اینکه سرمایه اولیه‌ای را تهیه و در اختیار افراد جویای کار قرار می‌دادند تا اینکه صاحب کسب‌وکار شوند. دوم اینکه با افراد جویای کار مشورت و سپس آن‌ها را راهنمایی می‌کردند تا بتوانند شغل مناسب و موردعلاقه خود را پیدا کنند.

نقل است یکی از یاران رسول خدا (ص) دچار فقر و محرومیت شده بود. روزی به پیشنهاد همسرش تصمیم گرفت به خدمت آن حضرت برود و با بیان مشکلی که برایش پیش آمده، از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله کمک بخواهد. وی با همین نیت به حضور رسول خدا صلی‌الله علیه و آله رفت، اما قبل از اینکه سخنی بگوید، حضرت به او فرمود: «هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر خود را بی‌نیاز بداند و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند.» او با شنیدن این سخن به خانه برگشت. روز دوم و سوم نیز هنگامی که برای گرفتن کمک از رسول خدا (ص) نزد آن حضرت رفت، همین سخنان را از ایشان شنید. این بار احساس کرد به خودش اعتماد و اطمینان بیشتری دارد. از این‌رو، به سراغ یکی از دوستانش رفت و تیشه‌ای از او به امانت گرفت. سپس به صحرا رفت و مقداری هیزم جمع کرد و فروخت و شب از دسترنج خود مقداری آذوقه تهیه کرد. روز بعد، دوباره کار خود را از سر گرفت و مدتی نگذشت که از همین راه، صاحب سرمایه و ثروت شد. روزی رسول خدا (ص) او را دید و لبخندی زد و فرمود: «نگفتم هر کس از ما

۱. وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. (النجم، ۳۹)

کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر خود را بی‌نیاز بداند و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد کرد» [۲۲].

روایات در زمینه ارزشمند بودن کار و الزامات آن بسیار است و بیانگر این‌که نگاه دینی به پدیده کار از شاخص‌های مهم تربیتی در عرصه اقتصاد مقاومتی؛ از آن جمله پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: برترین کسب و درآمد، معامله درست کارانه و کارکردن انسان با دست خودش است. هر کس خسته و رنجور از طلب رزق حلال در روز، شب را به روز آورد گناهانش بخشیده شده است. بر امت خویش، بیش از هر چیز، از شکم‌پرستی و پرخواهی و بیکارگی و بی‌ایمانی بیمناکم.

وجود مبارک پیامبر اعظم (ص) به کار و تلاش اقتصادی در جهت تأمین معاش روزمره بسیار اهمیت می‌دادند و در کنار این رهنمود که «دوستی دنیا ریشه همه بدی‌هاست.» می‌فرمودند: «کسی که با دسترنج خویش زندگی و معاش خود و عیالش را تأمین کند، مانند رزمنده‌ای است که در راه خدا می‌جنگد.» و نیز «به دست آوردن روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.» پیامبر اسلام خود از کودکی، مخالف بطالت و تنبلی و دائم در حال تلاش سازنده بود. در یکی از روزهایی که در کفالت حلیمه بود از او پرسید: برادرانم روزها کجا می‌روند؟ حلیمه گفت گوسفندان را به چراگاه می‌برند. گفت: من هم از امروز با آنان خواهم بود. در هفت‌سالگی ایشان را دیدند که خاک و کلوخ در دامن ریخته و در خانه‌سازی عبدالله بن جدعان کمک می‌کند، در طول زندگی او دیده نشد که روزی را به بیهودگی بگذرانند. در مقام و نیایش همیشه می‌فرمود: «خداوند از بیکاری و تنبلی و زبونی به تو پناه می‌برم.» مدتی نیز به شبانی گوسفندان ابوطالب می‌پرداخت [۵].

سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم این بوده است که بار زندگی خود را شخصاً به دوش می‌کشیدند و هیچ‌گاه برای تأمین ضروریات زندگی، خود را وابسته به دیگران نمی‌کردند. این امر بیانگر نوع نگرش آن برگزیدگان، به دنیا و رابطه دنیا با آخرت است و بر اندیشه‌های انحرافی زاهد‌مآبانه که کار و تولید را با کمالات معنوی و مصالح اخروی در تضاد می‌دانستند و یا افکار باطل ارباب‌مآبانه که کار را وظیفه افراد پست و پایین جامعه قلمداد می‌نمودند، خط بطلان می‌کشد.

انس بن مالک می‌گوید: هنگامی که رسول خدا (ص) از جنگ تبوک برمی‌گشت، سعدانصاری - یکی از کارگران مدینه - به استقبال آن حضرت آمد. وقتی پیامبر (ص) با او دست داد احساس کرد که دستان وی زبر و خشن است! نبی مکرم (ص) سؤال کرد: چرا دستان تو این‌قدر خشن و زبر است؟ عرضه داشت: یا رسول‌الله، این خشونت و زبری دستان من به خاطر کارکردن با بیل و طناب است تا مخارج خانواده‌ام را تأمین کنم. پیامبر (ص) دستان او را بوسید و فرمود: «این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد» (نوری، ۱۴۰۸، ص ۲۶۹).

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «بازرگانان صادق و درستکار، در روز قیامت با صدیقان و شهیدان حشر می‌گردند.» و در روایتی دیگر فرموده‌اند: «خداوند شخص مؤمن پیشه‌ور را دوست دارد» [۲۳].

در اسلام بیکاری مردود و مطرود است و کار به‌عنوان یک امر مقدس شناخته شده است. در زبان دین وقتی می‌خواهند تقدس چیزی را بیان کنند به این صورت بیان می‌کنند که خداوند فلان چیز را دوست دارد. مثلاً در حدیث وارد شده است: «خداوند مؤمنی را که دارای یک حرفه است و بدان اشتغال دارد دوست دارد.» یا اینکه گفته‌اند: «کسی که خود را برای اداره زندگی‌اش به مشقت می‌اندازد مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند.» در حدیث نبوی معروف است که فرمودند: «هرکسی که بیکار بگردد و سنگینی (اقتصادی) خود را بر دوش مردم بیاندازد ملعون است و لعنت خدا شامل اوست» [۲۳].

پیامبر (ص) در مذمت بیکاری با بیان اینکه پنج دسته از مردم هستند که دعایشان به اجابت نمی‌رسد، یکی از آن دسته را «مردی که در خانه خود بیکار بنشیند و بدون اینکه دنبال تلاش و طلب روزی برود، بگوید خدا یا روزی نصیب من کن، دعایش مستجاب نمی‌شود.»

همچنین در روایات آمده است که هرگاه حضرت مردی را ملاقات می‌نمودند، سؤال می‌کرد آیا شغلی داری؟ اگر می‌گفت بیکار است، می‌فرمود: «این (شخص) از چشم من افتاد.» عرض می‌کردند چرا؟ و می‌فرمود: «زیرا اگر مؤمن بیکار باشد، دین خود را اسباب معیشت خود قرار می‌دهد.» زیرا بیکاری مردم مایه گستاخی و ناسپاسی و موجب شیوع کارهای زشت می‌گردد. فرد بیکار از فرط گستاخی و بی‌په‌ودگی و ناسپاسی به کارهایی دست می‌زند که برای خود و اطرافیانش زیان‌های زیادی به بار می‌آورد. به همین دلیل حضرت به افراد بیکار سرمایه می‌داد تا به شغل آبرومندی دست یابند یا به‌گونه‌ای آن را راهنمایی می‌نمود تا بتوانند شغل درآمدزایی داشته باشند. روزی یکی از انصار به حضرت مراجعه نمود و از فقر شکایت نمود و گفت ممکن است تا برگردم برخی از اهل منزل از گرسنگی تلف شده باشند! به او فرمود برو بین چیزی در خانه است هست. رفت و فرشی پاره و قدحی آورد. پیامبر به اصحاب فرمود چه کسی این‌ها را می‌خرد؟ یکی به دو درهم خرید. پیامبر فرمود با یک درهم برای خانه است غذایی فراهم کن و با یک درهم تبری بخر و نزد من بیا. او چنان کرد و پیامبر فرمود: حالا به فلان دره برو و خار و هیزمی را رها مکن و همه آن‌ها را جمع کرده و بفروش تا ده روز پیش من بیا. او رفت و پس از ده روز آمد و گفت: یا رسول‌الله در این فرمان که دادی، برکت بود. پیامبر فرمود: این کار و تلاش، برای تو بهتر است از آنکه در قیامت بیایی و لکه سیاه‌گدایی در تو باشد! سیره حضرت بر این بود که افراد با کمک‌های مالی بلاعوض مانند صدقه و زکات بدعادت

نشوند و آنان را به کار و تلاش ترغیب می‌نمود تا بر بازوان خویش تکیه و معاش خود را تأمین نمایند. نزد پیامبر گفتند فلانی نماز زیاد می‌خواند و روزه می‌گیرد. حضرت فرمود چه کسی او را آب‌ونان می‌دهد گفتند: همه ما. فرمود: «همه شما از او برترید.» پیامبر اکرم (ص) برای رفع وابستگی‌ها و ایجاد شخصیت مستقل و باعزت برای انسان‌ها با روحیه وابستگی و سربار دیگران بودن مبارزه می‌کرد و انسان‌ها را تشویق می‌کرد که از دسترنج خویش ارتزاق کنند به همین دلیل فرمودند: «از دسترنج خویش بخورید و هرکس از خویش بخورد خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی‌کند.» تقویت همین روحیه باعث می‌شود که در اجتماع پدیده ناهنجار تکدی‌گری رواج پیدا نکند [۵].

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خلاصه کلام آنکه جامعه‌ای می‌تواند به عزت و سربلندی برسد که اولاً استعدادهای درونی خود را کاملاً بشناسد و ثانیاً با اعتمادبه‌نفس و توکل به خدای متعال از تمام ظرفیت‌های خود در راستای عملی شدن اقتصاد مقاومتی بهره‌برد و با انجام این امور است که طبق وعده خداوند متعال که فرمود: و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است^۱. جامعه اسلامی می‌تواند با استقلال و عزت و سربلندی پایدار باشد و زیر سلطه هیچ ابرقدرتی نباشد [۳۴]. در ادامه به‌طور خلاصه راهبردهای اتخاذشده توسط نبی مکرم اسلام در هریک از ابعاد اقتصاد مقاومتی آمده است.

جدول ۱. درس‌های مقایسه راهبردهای پیامبر اکرم (ص) با سایرین

ابعاد اقتصاد مقاومتی	راهبردهای پیامبر اکرم (ص)	راهبردهای رایج زمان
تکیه بر مردم	تکیه بر مردم در تصمیم‌گیری (مشورت)	اغلب تکیه بر فهم و ادراک خود و حداکثر نزدیکیان
	تکیه بر مردم در اجرای راهبردها	برخورد دستوری در اجرای راهبردها
مقاوم بودن اقتصاد	همراهی پیامبر با مردم در اجرای راهبردها و دستورات و زندگی در کنار ایشان در خوشی و سختی	نگرش از بالا، همراه با تحکم و اتخاذ سیاست‌های تشویق و تنبیه
	صبر در سختی‌ها	جزع و فزع در سختی‌ها
مقاوم بودن اقتصاد	پایداری در برابر مستکبران	تسلیم در برابر مستکبران
	صرفه‌جویی و مدیریت مصرف	ریخت‌وپاش و اسراف و تبذیر

هرچه در توان داشت صرف در راه دین	بی‌تفاوتی	
همدلی و همراهی با مردم	نگاه اشرافی‌گری به طبقه عامه مردم	
رهبری	مدیریت	
اتخاذ استراتژی فعال	اتخاذ استراتژی منفعل	
تشویق و تقویت فرهنگ کار و تلاش	رواج فرهنگ مصرف و خوش‌گذرانی	
تقویت اخلاقیات در جامعه (عدالت، قناعت، وحدت، انفاق، صدقه، خمس و زکات)	بی‌تفاوتی نسبت به اخلاقیات، اخلاق یک‌چیز نسبی است	
مبارزه با ردائیل اخلاقی (کم‌فروشی، گران‌فروشی، احتکار، اسراف و تبذیر، مداومت و پایمردی در امور ضروری است	زد و بندهای سیاسی، رانت بازی، رشوه، آفازاده‌ها، پارتی و...	
ساده زیستی	اشرافی‌گری	
نهی از اسراف و تبذیر	ریخت‌وپاش	مدیریت مصرف
اعتدال و کفاف	ولع مصرف	
مصرف کالای داخلی	مصرف کالاهای لوکس خارجی	
استفاده از حمایت‌های معنوی خویشان برای تحکیم اسلام	معلوم نیست این حمایت‌ها به کار آید!	
استفاده حداکثری از منابع مادی خود و خویشان در راستای گسترش و تحکیم اسلام	از اموال شخصی نباید در این امور استفاده کرد. (چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!)	استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات
شایسته‌سالاری و جوان‌گرایی در انتصابات	حزب سالاری، شیخ‌گرایی و مسن‌گرایی	
دستیابی به امت واحد (برنامه سیاسی)	تفرقه و عدم توجه به رخنه دشمن	
ارتقاء سطح فرهنگی عرب جاهلی (برنامه فرهنگی)	بت‌پرستی، آداب‌ورسوم خرافه، باورهای غلط، تقلید از نیاکان	حرکت بر اساس برنامه
فراهم نمودن مقدمات برنامه‌ریزی (سرشماری و گردآوری اطلاعات)	برنامه‌ریزی بدون تدبیر، یک‌باره، هیئتی	
تقسیم اموال توسط ابناء مردم	تقسیم ناعادلانه اموال	
مصرف به‌اندازه نیاز	مصرف به‌طور مساوی	ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی
رعایت عدالت در تقسیم منابع	تقسیم ناعادلانه امکانات	
منابع طبیعی برای همه	منابع طبیعی در قرق ثروتمندان جامعه	
ایجاد شغل برای آحاد جامعه به‌ویژه جوانان	بی‌تفاوتی نسبت به بحث اشتغال	
تشویق به کار و تلاش به‌منظور جلوگیری از فقر و محرومیت	بی‌تفاوتی	تقویت فرهنگ کار و تلاش و تولید ثروت
اهمیت دادن به کسب حلال همسنگ	عدم توجه به جایگاه مهم کسب و حلال و ظرایف آن	
جهاد در راه خدا		

پیشنهادها. زندگی پیامبر بزرگ اسلام (ص) الگوی بسیار ارزشمندی است که باید از آن نه فقط در زندگی روزمره استفاده کرد، بلکه باید نصب‌العین در تصمیم‌گیری‌های کلان باشد. همچنین با توجه به اینکه اقتصاد مقاومتی درون‌زا و برون‌نگر است باید از حداکثر توان کشور در این راستا بهره گرفت. به این ترتیب پیشنهاد می‌شود سایر پژوهشگران کارکردهای متقابل خانواده، فرهنگ اصیل اسلامی و نیز ضرورت‌های فرهنگی را در رابطه با مقوله اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار دهند.

منابع

1. Alizadeh, Mohammad Rezaei, Hadi, Zaidizadeh, Samira (2013). Recognition of Economic-Islamic Behaviors in Sanctions: By Emphasizing the Prophet and Alavi's Sons, The First Conference on the Lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
2. Al-Sharif al-Razi, Abulhassan Mohammad, Nahj al-Balaghah, translation of Mohammad Dashti (2009). Baqiyat Allah (AS).
3. Asghari, Mahmoud (2013). Strategic Principles in the Economic Way of the Imam (AS), Andisheh Area, 74.
4. Bi Azar Shirazi, Abdolkarim (1989). Islamic Economics Organization, Tehran Islamic Culture Islamic Culture Publishing House: 107.
5. Borhanian, Abdolhossein (2006). A Look at the Economic Behavior of the Prophet of God (pbuh). Al-Husseini. 9.
6. Danesh Jafari, Davood, Karimi, Samaneh (2015). Oil, Sixth Program of Development and Resistance Economics, *Journal of Strategic and macroeconomic policy*, 2(8): 1 -35
7. Delshad Tehrani, Mostafa (2007). Prophet Sera, Practical Logic, Sea Publishing, Third Office, Fourth Edition, Tehran.
8. Farzandi Ardakani, Abbasali, Yousefi, Meysam, Annapur Kheirabadi, Majid (1394). Resistance Economics in the Islamic Republic of Iran: Challenges and Strategies, *Quarterly Journal of Contemporary Islamic Revolution Research*, 1(1): 63 - 87.
9. Gholami Firoozjaee, Ali (2013). The Economic View of God's Prophet in the Market and Trade, The First Conference on the Lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
10. Haji Ahmadi, Mahmoud (2006), Prophet Muhammad (PBUH) and Cultural Change of Jahili Society, *Journal of the Faculty of Literature & Humanities University of Isfahan* 2: 44-45.
11. Hamidian, Barat (2013). The Economic Model of Prophet Muhammad (pbuh) "The teachings of Islamic Economics in the Prophet's Sons", The First Conference on the Lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
12. Hassan Allahi, Manouchehr (2007). A Look at the Sīra of the Prophet (PBUH), Book Garden, First Edition, Qom.
13. Hassanaliyan, Somayeh (2013). Poverty and the responsibility of the government in theology and prophethood (PBUH), the first conference of the lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
14. Hosseini, Seyed Hossein (2000). Prophet Muhammad (PBUH & HP).
15. Ja'fari Faezi, Ghazanfar Ali (1999). Foreign Policy of the Prophet Muhammad (PBUH), Qom: Publishing of the Pilgrims, First Edition.
16. Javadi Amoli, Abdullah (2012). Mofatayyah al-Hayah, Esara, First edition.
17. Javanmehr, Hussein (2004). The Prophet of the Prophet (PBUH), Rasht: Book Mobin J 1, 146.

18. Mahdizadeh Ardakani, Mohammad (2013). Management, Planning and Presentation of the Solution of the Prophet of Islam (PBUH), The First Lifestyle Conference of the Prophet (PBUH), Zahedan.
19. Makarem Shirazi, Nasser (2005). Sample Interpretation, Dalecke Eslamia.
20. Mohammad Abu Zohre, translated by Hossein Saberi (2001). Khatam the Prophets, Astan Quds Razavi, 2: 21.
21. Morteza Ameli, Seyyed Ja'far, translation of Hossein Taj Abadi (2016). Sireh Sahih of the Great Prophet Muhammad (pbuh), *Ambassador Ardel*, 2: 190
22. Motahari, Morteza (1960). The story of Rustan, 1: 6
23. Motahari, Morteza (2006). Speeches and Advices, Tehran, Sadra.
24. Nekounam, Ali (2011). Methods of Confidence Building in the Prophet Muhammad's System of Government, *Afagh Dean Quarterly*, 2(7).
25. Noghani, Azar (2013). The Economic Epic in the Prophet's Sons, The First Lifestyle Conference of the Prophet (PBUH), Zahedan.
26. Nosrati Nahuk, Um Salama; Arash, Abdul Aziz; Berhanzhi; Naima (2013). Work and Employment in the Prophet's Prophet's Sons; The First Conference on the Lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
27. Pour Amini, Mohammad Baqer (2007). Prophet Muhammad (PBUH) Sira and Date, Qom: Office of the Publication of Ma'aref, Third Edition.
28. Saeedi, Mohammad Saleh (2007). Shahnaz Ayyad al-Din, Sanandaj: Kurdistan Fourth Edition.
29. Sha'bani, Ahmad; Talpoli, Seyed Reza (2014). Components of Resistance Economics in Popular Literature and in Expression of the Supreme Leader, *Aqa Quarterly*, and Security, 7(25).
30. Sha'bani, Fatemeh, Soleimani, Khalil (2013). The role of social capital in the economy, with emphasis on the life of the Prophet Muhammad (PBUH), the first conference of the lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
31. Tavakkoli, Morteza Pour Ebrahimi, Fatemeh, Pourjafar Abadi, Mahdiyeh (2013). Pathology and Modification of Rural Household Consumption Patterns in Adaptation to the Prophet's Sons and Presenting the Desirable Islamic Model of Iran, The First Lifestyle Conference of the Prophet (PBUH), Zahedan.
32. Mansour (2013). Azarkordad, Fatemeh, Ghavidel Heidari, Mahboubeh; The Importance of Work and Employment in the Prophet's Sons (PBUH), The First Conference on the Lifestyle of the Prophet (PBUH), Zahedan.
33. The Holy Quran.
34. Tuserikani, Mohammad Reza (2005). Prophet (pbuh), Top Model, Second Edition, Aram Del Publication, Tehran.

35. Vardbasbi, Abuzar (1978). Ownership and Immigration in the Sunnah of the Prophet (pbuh) and Ali (pbuh) of the publication of Adalat: 12.
36. Yasrebi Naeini, Seyed Ehsan, Mehdiyan Moghaddam, Nasrin (2013). Resistance Economics at the Beginning of Islam and the Age of the Prophet Yusuf (AS), The First Lifestyle Conference of the Prophet (PBUH), Zahedan Conference on the Lifestyle of the Prophet (peace be upon him and his family), Zahedan.
37. <http://www.hawzah.net>
38. <http://iec-md.org>
39. <http://it.whc.ir>
40. <http://www.porsemanequran.com>
41. <http://lib.ahlolbait.com/parvan/home>
42. <http://www.tebyan.net>
43. <http://radio.irib.ir/maaref/library>
44. <https://rasekhoon.net>
45. <http://thaqalain.ir>
46. <http://khamenei.ir>